



## عبدالله در رأس یک هیأت بلندپایه برای گفتوگو با طالبان به دوحه رفت

هیأت بلندپایه‌ی افغانستان دیروز کابل را به مقصد دوحه، پایتخت قطر ترک کرد. ریاست این هیأت را عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی بر عهده دارد. این هیأت به منظور گفتوگو با طالبان عازم دوحه شده است.



صفحه ۲

واکنش‌ها به کشته شدن  
خبرنگار رویترز در قندهار؛  
«برای افغانستان و جهان  
غم‌انگیز است»

صفحه ۲

زمان برگزاری نشست صلح  
افغانستان در اسلام‌آباد به  
تعویق افتاد

صفحه ۲

چرا مردان کمتر  
آثار زنان را می‌خوانند؟



صفحه ۳

نگاه استراتژیک چین  
به افغانستان

صفحه ۳

یادداشت روز

حمله به قلب جغرافیای حکومت؛  
چرا بازپس‌گیری  
مالستان تعیین‌کننده  
است؟

پس از روزها هشدار درباره‌ی خطر سقوط ولسوالی مالستان و چندین روز مقاومت و درخواست مکرر برای ارسال نیرو، تجهیزات، کمک نظامی و حمله بر تجمع طالبان در نواحی مرزی مالستان، سرانجام مرکز این ولسوالی به دلیل بی‌توجهی حکومت در فرستادن نیرو و توجه فوری سقوط کرد. مالستان در طول سال‌های اخیر از جمله امن‌ترین ولسوالی‌های ولایت غزنی بود. ولسوالی‌ای که به شدت مورد توجه گروه طالبان در غزنی بود.

با توجه به تجربه سقوط سایر ولسوالی‌ها در کشور و معامله‌های پیدا و پنهان برخی افراد و گروه‌ها در جهت واگذاری ولسوالی‌ها، همچنین عدم ارسال نیرو و حمایت از سوی دولت و در نهایت بحران رهبری نیروهای امنیتی، سقوط پی‌درپی ولسوالی‌ها این روزها چندان دور از ذهن نیست. اما سقوط ولسوالی مالستان از این زاویه مهم است بی‌توجهی دولت به ندای کمک و درخواست مردم در آن دوباره تکرار شد...

۲

تجزیه و تحلیل

میان دو انفجار، نمی‌خواهم او هم خاکستر شود؛  
نخستین جشنواره‌ی ادبی - هنری زخم‌های جنگ در کابل برگزار شد

دو انفجار و «نمی‌خواهم او هم خاکستر شود» چاپ و منتشر شده است. میزبان و برگزارکننده‌ی این جشنواره موسسه‌ی حقوق و بشر و دموکراسی افغانستان است. در بخش داستان، امید حق‌بین با داستان «مرگ خواستن» برگزیده‌ی مقام نخست، عصت‌الله کهزاد...

نخستین جشنواره‌ی ادبی - هنری زخم‌های جنگ با موضوع قربانیان، عدالت و صلح روز چهارشنبه در کابل برگزار شد. آثار بیش از ۱۶۰ شاعر و نویسنده مورد ارزیابی هیأت داوران این جشنواره قرار گرفته و آثار برگزیده‌ی آن‌ها در دو مجموعه‌ی شعر و داستان زیر عنوان «میان

ترجمه



طالبان برای روسیه  
همان «شر لازم» است

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان ادامه دارد. گروه طالبان با گسترش قلمرو خود و تصرف زیرساخت‌های نظامی کلیدی به سرعت در حال پر کردن خلأ به میان آمده از خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان است. هفته گذشته این گروه مدعی شد که ۸۵ درصد خاک...

۴



**بسته های ویژه اینترنتی برای**  
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی

AFGHANET

Info@afghanet.com | +93 (0) 797 777 275

و مسأله ادامه بحران رهبری در نیروهای امنیتی و نظامی را به‌خوبی نمایان می‌کند.

اما پرسش این است که ولسوالی مالدستان اگر سقوط کند پس از آن چه اتفاقی می‌افتد؟ واضح است که ولسوالی جاغوری عملاً در معرض سقوط قرار می‌گیرد. طالبان اگر به این ولسوالی حمله نکنند، می‌توانند آن را با محاصره اقتصادی سقوط دهند. همچنین این قصبه برای ولسوالی ناور هم صادق است. سقوط این ولسوالی‌ها عملاً راه طالبان را به هزاره‌جات باز می‌کند و زمینه‌ی حضور آنان را به حیاط‌خلوت قلمرو حکومت یعنی هزاره‌جات می‌گشاید.

اگر نقشه افغانستان را ببینیم هزاره‌جات، بزرگ‌ترین قلمرو و جغرافیایی است که در دست حکومت باقی مانده است. بقیه‌ی کشور یا تحت تصرف گروه طالبان است یا جنگ بر سر آن جریان دارد. به جز این قلمرو، تسلط حکومت بر بقیه کشور، یکپارچه نیست و مثل نقاطی پراکنده در دست حکومت می‌ماند. اما پرسش این است که چرا هزاره‌جات برای حکومت می‌تواند مهم باشد؟ جغرافیای هزاره‌جات عملاً آبروی حکومت بر ادعای اراضی است. هزاره‌جات بزرگ‌ترین سرمایه و دست‌مایه‌ی جغرافیایی حکومت به‌صورت یکپارچه از نظر وسعت است که می‌تواند در مذاکرات سیاسی دولت با طالبان نقش مهمی داشته باشد. مالدستان، جاغوری و ناور از این جهت مهم‌اند که به نوعی دهلیز هزاره‌جات محسوب می‌شوند. و خطر سقوط و تسلط طالبان بر آن‌ها یعنی خطر از دست‌رفتن یک جغرافیای یکپارچه و منسجم که در صورت سقوط آن ما با دولتی بدون بی‌جغرافیا مواجه خواهیم بود. بی‌جغرافیا بودن دولت این خطر را دارد که در مذاکرات سیاسی به‌دلیل نداشتن جغرافیای منسجم و یکپارچه، عملاً نتیجه مذاکرات به نفع طالبان تغییر کند.

حکومت صرفاً نمی‌تواند تنها بر شهرها حکومت کند و تسلط بر شهرها به معنای حاکمیت و دست‌بالا داشتن در مذاکرات سیاسی نیست. بنابراین جغرافیای هزاره‌جات، برگ برنده‌ی حکومت در گفت‌وگوهای صلح و مذاکرات سیاسی است. به همین دلیل ایجاب می‌کند حکومت برای حفظ بقای خود و همچنین حفظ جغرافیای خود در اقدامی فوری، وضعیت را به کنترل خود درآورد. بنابراین باید هرچه سریع‌تر به مالدستان قطعات خاص ارسال شود، حملات هوایی صورت بگیرد تا دوباره مالدستان پس گرفته شود. بازپس‌گیری مالدستان می‌تواند جبهه و نیروی طالبان را در دهلیز هزاره‌جات در نطفه خفه کند و انگیزه مضاعفی را به نیروهای امنیتی و نظامی کشور در سایر نقاط ببخشد. همچنین در یک اقدام استراتژیک، حکومت باید با تدابیر و چینش نظامی ویژه، هزاره‌جات را تبدیل به دژی استوار در مقابل حملات طالبان کند.

تغییر و تحولات در سطح رهبری برخی ولایات هزاره‌نشین (سپردن ولایت دایکندی به یک نظامی باتجربه و بامیان به یک مدیر باتجربه) اقداماتی مفید در راستای حفظ جغرافیای هزاره‌جات است. اقداماتی که می‌تواند بقای حکومت را در این جغرافیا تضمین کند. تدبیر حکومت برای حفظ و بقای هزاره‌جات می‌تواند برای سراسر کشور، روحیه‌بخش باشد که در صورت پیروزی نیروهای نظامی می‌توان آن را سرآغازی برای شکست طالبان قلمداد نمود.

اطلاعات روز: هیأت بلندپایه‌ی افغانستان دیروز کابل را به مقصد دوحه، پایتخت قطر ترک کرد. ریاست این هیأت را عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی بر عهده دارد. این هیأت به‌منظور گفت‌وگو با طالبان عازم دوحه شده است.

محمدکریم خلیلی، عطامحمد نور، سلام رحیمی، باتور دوستم، سید سعادت منصور نادری، فاطمه گیلانی، محمد ناطقی و... در ترکیب این هیأت حضور دارند. عبدالله گفت که شماری از اعضای دیگر این هیأت از قبل در دوحه تشریف دارند.

بیشتر گزارش شده بود که قرار است حامد

کرزی نیز در ترکیب این هیأت حضور داشته باشد، اما او از رفتن به این سفر خودداری کرده است. عبدالله اما پیش از عزیمت به دوحه در حضور حامد کرزی به خبرنگاران گفت که آقای کرزی از هیأت اعزامی به دوحه، حمایت می‌کند.

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفت که هیأت اعزامی با صلاحیت کامل به دوحه می‌رود و از جمهوری اسلامی افغانستان نمایندگی می‌کند. او ابراز امیدواری کرد که گفت‌وگوی این هیأت با طالبان نتایجی نیز در پی داشته باشد.

آقای عبدالله گفت درحالی که جنگ در

## عبدالله در رأس یک هیأت بلندپایه برای گفت‌وگو با طالبان به دوحه رفت

طالبان یک بسته‌ی پیشنهادی را به دولت افغانستان پیشکش کرده‌اند که در نخستین بند آن خواستار تدوین قانون اساسی جدید برای افغانستان شده‌اند.

منابع اطلاعات روز دو روز پیش تأیید کرده بودند که طالبان در دیدار با هیأت جمهوری اسلامی افغانستان در دوحه، پیشنهاد برقراری یک آتش‌بس سه‌ماهه را ارایه خواهند کرد. به نقل از این منابع، طالبان در بدل ارایه‌ی این پیشنهاد، آزادی هفت‌هزار زندانی این گروه از محاسن دولت افغانستان و خارج شدن رهبران این گروه از فهرست سیاه سازمان ملل متحد را خواهند خواست.

سراسر کشور جریان دارد، تمام تلاش‌ها باید برای ختم جنگ متمرکز شود. او همچنین ابراز امیدواری کرد که طالبان از فرصت برای پایان دادن به درد و رنج مردم استفاده کنند. عبدالله گفت که صلح از دست‌به‌دست شدن ولسوالی‌ها نه، بلکه از میز مذاکرات به‌دست آمده می‌تواند.

حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین کشور سفر هیأت بلندپایه به دوحه برای گفت‌وگو با طالبان را در وضعیت کنونی لازمی عنوان کرد.

این درحالی است که دو روز پیش منابع معتبر به روزنامه اطلاعات روز گفته بودند که

## واکنش‌ها به کشته‌شدن خبرنگار رویترز در قندهار؛ «برای افغانستان و جهان غم‌انگیز است»

خبرگزاری رویترز رسماً تأیید کرده است که دانش صدیقی، خبرنگار این خبرگزاری روز جمعه در جریان درگیری میان جنگ‌جویان گروه طالبان و نیروهای امنیتی و دفاعی افغان در نزدیکی مرز افغانستان با پاکستان کشته شده است.

دانش صدیقی شهروند هندوستان بود. براساس معلومات مرکز خبرنگاران افغانستان، او حدود دو هفته پیش به افغانستان آمده بود.

است که در افغانستان کشته و یا ترور شده‌اند. آقای ویلسن خواستار استقرار آتش‌بس جامع در افغانستان شده است. رییس‌جمهور اشرف غنی از مرگ دانش صدیقی ابراز تأسف کرده و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی افغانستان نیز گفته است که حمله به خبرنگاران و غیرنظامیان جنایت جنگی و خلاف موازین بشری و اسلامی است.

افغانستان با آن‌ها مواجه هستند. یوناما همچنین گفته است که رسانه‌های فعال در افغانستان و روزنامه‌نگاری در این کشور در معرض تهدیده فزاینده‌ای قرار دارد و مقام‌ها باید مورد قتل صدیقی و دیگر خبرنگاران تحقیق کنند. راس ویلسن، سرپرست سفارت امریکا در کابل در رشته‌توییتی، قتل دانش صدیقی را برای افغانستان و جهان یک رویداد غم‌انگیز خوانده و گفته است که صدیقی پنجاه‌وچهارمین خبرنگاری

## زمان برگزاری نشست صلح افغانستان در اسلام‌آباد به تعویق افتاد

برای دیدار با عمران خان، نخست‌وزیر، جنرال قمر باجوہ؛ رییس ستاد ارتش و جنرال فیض حمید، رییس آی‌اس‌ای، مستقیماً به اسلام‌آباد بروند.

به گفته‌ی این منابع، در صورتی که این دیدار برگزار شود، علاوه بر هیأت جمهوری اسلامی افغانستان، از رییس‌جمهور اشرف غنی نیز برای سفر به اسلام‌آباد دعوت خواهد شد.

هیأت بلندپایه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان به ریاست عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی عصر دیروز برای گفت‌وگو با طالبان عازم دوحه شده است.

افغانستان برگزار می‌کند. منصور احمد خان گفته بود که این نشست با حضور شخصیت‌های سیاسی و کلیدی از تمام طرف‌های دخیل در قضایای افغانستان به‌منظور آماده‌کردن شرایطی برای گفت‌وگو روی آخرین پیشرفت‌ها در روند صلح و شریک‌کردن نظریات برای بهترشدن روند صلح برگزار می‌شود.

دو روز پیش منابع معتبر به روزنامه اطلاعات روز گفته بودند که در صورتی که مذاکرات هیأت اعزامی دولت افغانستان به دوحه با طالبان در مورد بسته‌ی پیشنهادی این گروه، به پیشرفت‌های ملموسی دست یابد، احتمالاً هیأت جمهوری اسلامی افغانستان



این نشست دعوت کرده بود. او در ۲۳ سرطان در دیدار با محمد محقق، مشاور ارشد رییس‌جمهور غنی در امور سیاسی و امنیتی و رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان گفته بود که اسلام‌آباد نشست را برای تسهیل روند صلح

اطلاعات روز: منصور احمد خان، سفیر پاکستان در کابل می‌گوید که نشست صلح افغانستان که قرار بود به تاریخ ۱۷ تا ۱۹ جولای در اسلام‌آباد برگزار شود، به تعویق افتاده است.

سفیر پاکستان در توییتی نوشته است که روی تاریخ جدید برگزاری این نشست بعد از عید قربان کار خواهد شد.

دلیل تعویق این نشست تا کنون مشخص نشده است.

سفیر پاکستان در چند روز گذشته دعوت‌نامه‌ی رسمی وزارت خارجه‌ی آن کشور را به شماری از شخصیت‌های سیاسی افغانستان سپرده و از آنان برای اشتراک در

## ولسوالی‌های سیغان و کهمرد بامیان از کنترل طالبان آزاد شد

هیچ نتیجه‌ی جز دزدی و ویرانی نداشته است.

ولسوالی‌های کهمرد و سیغان بامیان در جریان هفته‌ی جاری به‌دست گروه طالبان سقوط کرده بود. طاهر زهیر در نخستین روزهای کاری‌اش به‌عنوان والی بامیان، تأکید کرده بود که به‌زودی ساحات از دست‌رفته را از طالبان پس خواهند گرفت.

با آزادسازی ولسوالی‌های سیغان و کهمرد، در حال حاضر تمامی ولسوالی‌های بامیان تحت کنترل نیروهای امنیتی و دفاعی قرار دارد.

در دو روز اخیر، این سومین ولسوالی است که توسط نیروهای امنیتی و دفاعی و حمایت‌های مردمی از کنترل طالبان آزاد شده است. دو روز پیش ولسوالی چخانسور ولایت نیمروز از وجود جنگ‌جویان گروه طالبان پاکسازی شده بود.

اطلاعات روز: پس از ولسوالی سیغان ولایت بامیان، ولسوالی کهمرد این ولایت نیز در نتیجه‌ی عملیات نیروهای امنیتی و دفاعی و به حمایت نیروهای بسیج مردمی، از کنترل گروه طالبان آزاد شده است.

صبح دیروز (جمعه، ۲۵ سرطان) دفتر رسانه‌های والی بامیان از پاکسازی ولسوالی سیغان این ولایت از وجود جنگ‌جویان گروه طالبان خبر داده بود.

اکنون محمداطاهر زهیر، والی بامیان که رهبری عملیات پاکسازی را بر عهده داشته، در یک پیام ویدیویی گفته است که ولسوالی کهمرد نیز از وجود طالبان پاکسازی شده است. آقای زهیر ضمن سپاسگزاری از ساکنان ولسوالی‌های سیغان و کهمرد به‌خاطر آزادسازی این دو ولسوالی، همچنین گفته است که حضور دو یا سه روز طالبان در این ولسوالی‌ها،

## اسلام‌آباد اظهارات امرالله صالح در مورد هشدار نیروهای هوایی پاکستان به افغانستان را رد کرد

به گفته‌ی صالح، معنای این هشدار این است که اکنون نیروهای هوایی پاکستان برای حمایت از طالبان دست به کار شده‌اند.

او نوشته است: «آیا کدام ثبوت دیگر که این جنگ نه از طرف طالب، بلکه توسط طالب است نیاز دارید؟ برای حراست از عزت افغانستان بسیج شوید. بسیج شویم. ملت‌ها برنده‌اند. مطمئن باشید.»

آقای صالح صبح دیروز در پاسخ به اعلامیه‌ی واکنشی وزارت خارجه‌ی پاکستان، در توییتی نوشته است که پاکستان بیش از بیست سال است که حضور رهبران طالبان در خاک آن کشور را رد می‌کند.

صالح اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی پاکستان را «پاراگراف از پیش نوشته‌شده» دانسته و تأکید کرده است که مردم افغانستان و خارجیان با این گونه اظهارات پاکستان آشنایی دارند.



تمام انرژی برای دست‌یابی به یک توافق سیاسی همه‌جانبه متمرکز شود.

دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۲۴ سرطان) امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری در یک یادداشت فیسبوکی نوشته بود که ارتش پاکستان رسماً به افغانستان هشداد داده است که هرگونه تلاش نظامی برای تصرف مجدد بندر اسپین‌بولدک در قندهار با واکنش قوای هوایی آن کشور مواجه خواهد شد.

وزارت خارجه‌ی پاکستان افزوده است که راه‌اندازی عملیات در نزدیک خط مرزی یک رویه‌ی پذیرفته‌شده‌ی بین‌المللی نیست، اما پاکستان اقدامات لازم را برای محافظت سربازان و شهروندان خود روی‌دست گرفته است.

از سوی هم، وزارت خارجه‌ی پاکستان گفته است که این کشور بیش از ۴۰ عضو نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان را که از طریق بندر اسپین‌بولدک وارد خاک پاکستان شده بودند، باعزت به افغانستان برگردانده است.

در اعلامیه‌ی این وزارت آمده است که اسلام‌آباد به حمایت خود از روند صلح افغانستان متعهد است و صرف نظر از تلاش بدخواهان، به تلاش خود برای رسیدن به تأمین صلح ادامه خواهد داد.

وزارت خارجه‌ی پاکستان در ادامه تأکید کرده است که در مقطع حساس کنونی، باید

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی پاکستان اظهارات امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری در مورد هشدار ارتش پاکستان به افغانستان را رد کرده و گفته است که این اظهارات تلاش‌های «صادقانه» اسلام‌آباد را برای سهیم‌شدن در راه‌حلی که متعلق و به رهبری افغانستان است، تضعیف می‌کند.

در اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی پاکستان آمده است که نیروهای هوایی این کشور هیچ هشداری را به افغانستان نداده‌اند، بلکه به حق دولت افغانستان برای اقدام در داخل خودش احترام می‌گذارد.

به نقل از اعلامیه، جانب افغانستان از برنامه‌ی‌شان برای راه‌اندازی حملات هوایی در داخل خاک این کشور در بندر اسپین‌بولدک در مرز چمن پاکستان، اطلاع داده است.

منبع: ایمای سیگارت، گاردین  
مترجم: شریفه عرفانی

مهم نیست که نویسنده آستین باشد یا اتوود، برنده جوایز برونس باشد یا بوکر؛ داده‌ها نشان می‌دهد مردان تمایلی به خواندن کتاب زنان ندارند. و این نوع دیدگاه پیامدهای خود را در دنیای واقعی به همراه دارد.

نام من در این نوشته به صورت «امای سیگارت» نوشته شده نه «مری آن»؛ چرا؟ چون من واقعا دوست دارم مردها هم این نوشته را بخوانند. نویسندگان زن در طول قرن‌ها، از خواهران برونس گرفته تا جورج الیوت و جی کی رولینگ، برای این که مردان را ترغیب به خواندن نوشته‌هایشان کنند، خود را ملزم به پنهان کردن جنسیت‌شان دانسته‌اند. اما حالا چطور؟ آیا واقعا هنوز لازم است؟ پاسخ غم‌انگیز است: «آری».

من برای کتابم، «شکاف اقتدار»، که به چرایی جدی‌نگرفتن زنان در مقایسه با مردان می‌پردازد، برنامه «تحقیقات درباره‌ی کتاب نیلسن» (Nielsen Book Research) را سفارش دادم تا بفهمم چه کسی دقیقا چه چیزی را می‌خواند. من می‌خواستم بدانم که این فقط یک فرضیه نیست که نویسندگان زن هنوز هم نسبت به مردان ناتوان‌تر پنداشته می‌شوند، یا این که مردان آثار زنان را با فرض برابری می‌خوانند؟ و نتایج بدگمانی من را تأیید کرد: حتا تصور این که مردان بتوانند کتاب یک نویسنده‌ی زن را باز کنند، بسیار بعید است.

در مورد آثار پرفروش ۱۰ نویسنده زن (از جمله جین آستین و مارگارت اتوود و همچنین دانیل استیل و جوجو مویز)، فقط ۱۹ درصد از خوانندگان آن‌ها مرد و ۸۱ درصد زن هستند. اما در مورد آثار پرفروش ۱۰ نویسنده برتر مرد (از جمله چارلز دیکنز و جی آر آر تالکین و همچنین لی چایلد و استیون کینگ)، این شکاف بسیار کمتر است: ۵۵ درصد مردان و ۴۵ درصد زنان.

به عبارت دیگر، زنان آمادگی مطالعه کتاب‌های نویسندگان مرد را دارند، اما مردان کمتری حاضرند کتاب‌های نویسندگان زن را بخوانند. و نویسنده زنی که از میان ۱۰ نفر برتر، بیشترین خواننده مرد را داشته، ال جی روز، نویسنده کتاب‌های هیجان‌انگیز، فقط حروف ابتدایی نامش را برای نام مؤلف به کار برده است، بنابراین بعید نیست که مردها فکر کرده باشند او یکی از خودشان است. این چه پیامی در خود نهفته دارد از میزان آکراه مردان در جایگاه برابر قائل شدن برای زنان در زمینه‌های فکری، هنری و فرهنگی؟



## چرا مردان کمتر آثار زنان را می‌خوانند؟

»

صرف این که یک کتاب توسط یک زن نوشته شده یا در مورد زنان است، به این معنی نیست که چیزی برای ارائه به مردان ندارد. این آثار چشمان آن‌ها را به چگونگی زندگی در دنیا به عنوان یک زن باز می‌کند، اولین قدم برای یادگیری همدلی.

»

می‌پردازند. همه این‌ها حاکی از آن است که مردان، آگاهانه یا ناآگاهانه، نویسندگان زن را به اندازه نویسندگان مرد، توانا نمی‌دانند. یا این که با این فرض ملال‌انگیز در ذهن دارند که کتاب‌های زنان مناسب آن‌ها نیست، بدون این که به خود زحمت تجربه بدهند و ببینند آیا این نوع تفکر درست است یا نه. چرا این مسئله مهم است؟ برای شروع، این دیدگاه تجربه‌ی مردان از دنیا را محدود می‌کند. برناردین اورستو، رمان‌نویس برنده جایزه بوکر، در مصاحبه با «شکاف اقتدار» به من گفت: «من این را مدت‌هاست می‌دانم

خوانندگان آثار مارگارت اتوود، نویسنده‌ای که باید آثارش در قفسه‌های کتاب هر کسی باشد که به داستان‌های ادبی اهمیت می‌دهد، فقط ۲۱ درصد مردان را شامل می‌شود. جولیان بارنز و یان مارتل، برندگان جایزه بوکر، تقریبا دو برابر بیشتر خواننده دارند (۳۹ درصد و ۴۰ درصد). مسئله این نیست که زنان در نوشتن داستان ادبی مهارت کمتری داشته باشند. نویسنده هر پنج رمان ادبی پرفروش برتر سال ۲۰۱۷ و نه کتاب از ۱۰ رمان برتر، زنان بوده‌اند. و به نظر نمی‌رسد که مردان هنگام باز کردن کتاب‌ها از خواندن آثار زنان لذت نمی‌برند. در واقع، با اختلاف بسیار کمی آن‌ها را ترجیح می‌دهند. میانگین امتیازاتی که مردان در کتاب «گودریدز» به کتاب‌های نویسندگان زن می‌دهند ۳،۹ از ۵ است و برای کتاب‌های مردان ۳،۸.

با مراجعه به کتاب‌های غیرداستانی، که در میان مردان کمی بیشتر از زنان مخاطب دارد، الگویی مشابه دارم، البته شکاف به آن عمیقی نیست. مردان باز هم آثار نویسندگان مرد را بسیار بیشتر از آثار نویسندگان زن می‌خوانند، اما این اختلاف چندان زیاد نیست زیرا زنان نیز تمایل دارند همان کار را به نفع نویسندگان زن انجام دهند. با این حال باز هم شکاف وجود دارد. زنان ۶۵ درصد بیشتر از مردان به خواندن کتاب‌های غیرداستانی جنس مخالف

توازن. وی به من گفت: «زنان داور هم آثار آقایان و هم آثار خانم‌ها را پیشنهاد می‌دهند، و قضات مرد عمدتا کتاب‌های مردان را.»

دالی آلدرتون نویسنده بسیار موفق است، که کتاب خاطراتش، «تمام چیزهایی که درباره عشق می‌دانم» در سال ۲۰۱۸، برنده جایزه «کتاب ملی» بهترین زندگی‌نامه شد. با این حال، حداقل در انگلیس، تقریبا مردان به آن توجهی نکردند. هر روزنامه‌نگار از هر روزنامه و مجله‌ای که برای مصاحبه با او فرستاده شده بود، یک زن بود و همان‌طوری که خودش به من گفت، «کتاب به‌عنوان اثری کاملا سزاوار با جنسیت من به فروش رفت، درک و دریافت شد. با این وجود تجربه زنانه، تجربه‌ی حاشیه‌ای نیست. تمام جهان در این تجربه علائق مشترک دارند.»

با این حال، وقتی او برای یک تور تبلیغاتی به دانمارک رفت، همه چیز کاملا متفاوت بود. وی به روزنامه نگار مردی که برای مصاحبه با وی اعزام شده بود گفت که او اولین روزنامه نگار مرد است. «او نمی‌توانست باور کند و برایش عجیب بود. او ۲۰ ساله بود و گفت که خودش و دوستانش به همان اندازه که آثار مردان می‌خوانند، خاطرات یا داستان‌های زنان را نیز می‌خوانند. اوضاع می‌تواند جور دیگری باشد. و این مشکلی است که مردان به راحتی می‌توانند آن را برطرف کنند. تنها کاری که باید انجام دهند این است که به صورت فعال، در جست‌وجوی آثار نویسندگان زن باشند.

اگر مردان مظلومند که نوشته‌های زنان موضوعاتی زنانه را در بر می‌گیرد، می‌توانند اثر پت بارکر را در مورد جنگ جهانی اول یا اثر هیلاری مانتل را در مورد تدابیر هنری سوم به نقد بگیرند. به محض این که به آن نوشته‌ها خو گرفتند، ممکن است حتا به این درک برسند که این داستان‌های، به جای داستان‌های زنانه، داستان‌هایی هستند انسانی و از خواندن آن لذت خواهند برد.

اگر مردان ذهن و ذایقه خود را تغییر دهند، چیزهای بسیاری به‌دست خواهند آورد. صرف این که یک کتاب توسط یک زن نوشته شده یا در مورد زنان است، به این معنی نیست که چیزی برای ارائه به مردان ندارد. این آثار چشمان آن‌ها را به چگونگی زندگی در دنیا به‌عنوان یک زن باز می‌کند، اولین قدم برای یادگیری همدلی. و این تغییر دیدگاه شاید به از بین رفتن حبابی منجر شود که مردان ناخواسته در آن زندگی می‌کنند و کمک کند و باعث شود افکار و بینش‌های تازه‌ای در ذهن‌شان جوانه بزنند. آیا این همان غایت هنر نیست؟

که مردان صرفا علاقه‌ای به خواندن آثار ما ندارند. آثار ما یکی از راه‌هایی است که بواسطه آن ما روایت‌ها را به بررسی می‌گیریم، ایده‌های خود را می‌کلیم، عقل و تخیل خود را رشد می‌دهیم. اگر ما داستان‌های زنان را می‌نویسیم، [هدف] صحبت در مورد تجربیات زنان است. ما همچنین در مورد تجارب مردانه از دیدگاه زنانه صحبت می‌کنیم، و بنابراین اگر آن‌ها به این نوشته‌ها علاقه ندارند، به نظرم خیلی مایوس کننده است و خیلی نگران کننده.»

اگر مردان کتاب‌های تألیف زنان و درباره‌ی زنان را نخوانند، موفق به درک روان و تجربه ما از زندگی نخواهند شد. آن‌ها همچنان به دیدن جهان از دریچه‌ی لنزی تقریبا کاملا مردانه و با تجربه مردانه به‌عنوان پیش فرض، ادامه خواهند داد. و این محدودیت بر روابط ما با آن‌ها، به‌عنوان همکار، به‌عنوان دوست و به‌عنوان شریک زندگی تأثیر خواهد گذاشت. اما افزون بر آن، باعث کاهش توانایی نویسندگان زن می‌شود. که اگر مخاطب آثارشان عمدتا زنان باشند، کارهای آن‌ها به جای آن که بخشی از جریان اصلی باشد، در حاشیه خواهد ماند. آن‌ها احترام و ثروت کمترکسب خواهند کرد و در جایگاه پایین‌تری قرار خواهند گرفت. کامله شمس، داستان نویس، عضو چندین هیئت داوروی بوده و دقیقا شاهد این عدم

### ترجمه

ضعف استراتژیک محصوربودن میان افغانستان متخاصم در شمال و دشمن دیرپش هند در جنوب، برطرف می‌شود. افزایش نقش پاکستان در افغانستان نه‌تنها به‌گونه‌ی غیرمستقیم به نفوذ چین کمک می‌کند، بلکه به‌صورت بالقوه موقف اسلام‌آباد و بیجینگ را در مذاکره با واشنگتن تقویت خواهد کرد. با وجودی که چین نگاه منفی و بدبینانه در مورد صلح داخلی و ثبات افغانستان پس از توافق صلح میان امریکا و طالبان دارد، اما برای چین در معادله‌ی جیوپولیتیک منطقه‌ای نشانه‌های خوبی به‌نظر می‌رسد.

### نتیجه

پس از دو دهه استحکام روابط با حکومت افغانستان و طالبان، چین در جایگاه ویژه‌ی تسهیل‌کننده در روند صلح ظهور کرده است. چین همزمانی از برنامه‌های خروج نیروهای امریکایی خوشحال است، اما به عملی شدن این برنامه از سوی واشنگتن باور ندارد. در عین حال، بیجینگ عمیقا در مورد فرجام روند صلح و خلاء قدرت که از خروج نیروهای امریکایی برجا می‌ماند، نگران است و برای اقدام چندجانبه آمادگی می‌گیرد تا به این مشکل رسیدگی کند.

چین نقش خود در افغانستان پس از توافق صلح را با احتیاط و انعطاف‌پذیری می‌بیند. نقش خود در امنیت افغانستان را به سه شکل در نظر می‌گیرد: حاشیه‌ای، به این معنا که طرف اصلی منازعه نیست؛ غیر قابل تعویض، به این معنا که چین قدرت بزرگ در همسایگی است که کسی آن را نادیده گرفته نمی‌تواند؛ و مرکزی، به این معنا که سرمایه‌گذاری چین برای بازسازی و توسعه‌ی اقتصاد افغانستان پس از پایان منازعه حیاتی خواهد بود. روند صلح افغانستان هنوز راه درازی در پیش دارد، و چین بیرون نخواهد ماند.

پایان

«تضمین محلی» چین تضمین‌های ضمنی از طالبان در مورد امنیت پروژه‌های این کشور در آینده، مانند تمدید دهلیز اقتصادی چین و پاکستان از طریق خط آهن به قندهار، دریافت کرده است. جزئیات البته هنوز پنهان مانده است.

چهارم، چین مطمئن نیست که آیا افغانستان نقطه کلیدی در همکاری‌های امریکا و چین باقی خواهد ماند یا خیر، اما هنوز امید باقی‌ست. در یک دهه‌ی گذشته، ایالات متحده و چین در زمینه‌ی برنامه‌های ظرفیت‌سازی در افغانستان، به‌شمول آموزش پولیس و ماین‌روبی، همکاری کرده‌اند. در ابتدا چینایی‌ها حضور نظامی امریکا و نقش اقتصادی چین را مکمل هم می‌دانستند. بنابراین، میزان تعهد امریکا برای آینده‌ی افغانستان، عامل تعیین‌کننده‌ی چگونگی و اندازه‌ی تلاش‌های چین در آن کشور است. در نهایت، معامله‌ی امریکا با طالبان، هند را به نفع پاکستان فروخت که ممکن است سبب کشیدگی در روابط واشنگتن و دهلی جدید نیز شود. هدف هند در افغانستان تخفیف نفوذ استراتژیک پاکستان است تا افغانستان همچون پناه‌گاه برای گروه‌های تروریستی ضد هند، به‌شمول آن‌های که نمایندگی‌های دیپلماتیک هند را هدف قرار دادند، نشود. در نتیجه، هند با طالبان مخالفت کرده و آن‌ها را نماینده‌ی پاکستان در افغانستان می‌داند. هند نیز تلاش کرده است تا افغانستان را به دهلیز ورودش به آسیای میانه تبدیل کند و با ساختن بندر چابهار ایران در نزدیکی مرز افغانستان، پاکستان را دور بزند. اما اهمیت استراتژیک افغانستان برای هند در صورت حضور نظامی امریکا قابل تصور است. با توجه به خروج قریب‌الوقوع امریکا از افغانستان، سرمایه‌گذاری استراتژیک هند در حال غرق شدن به‌نظر می‌رسد.

برای چین، شکست هند به معنای پیروزی پاکستان است. با خروج امریکا، به‌نظر می‌رسد پاکستان از نفوذ قابل توجه در مسایل افغانستان برخوردار می‌شود؛ عملا

## نگاه استراتژیک چین به افغانستان (۲)

یون سون، رییس برنامه‌های چین در مرکز ستمیسون  
ترجمه: سمیع مهدی، خبرنگار و استاد دانشگاه کابل

### رویکرد چین: چندجانبه به‌جای یک‌جانبه

چین در مورد افغانستان بدبین باقی می‌ماند، حتا پس از توافق امریکا با طالبان. بزرگ‌ترین چالش برای چین می‌تواند بدتر شدن چشم‌گیر وضعیت امنیتی در داخل افغانستان در صورت شکست روند صلح باشد.

در حال حاضر، چندین تحلیل‌مقدماتی در بیجینگ در دسترس است که بیانگر رویکردهای متفاوت چین در ماه‌ها و سال‌های آینده می‌تواند باشد: اول، چین یک رویکرد چندجانبه را بر رویکرد یک‌جانبه ترجیح می‌دهد. اگر امنیت داخلی افغانستان بدتر شود، استراتژیست‌های چینایی، به‌جای مداخله‌ی یک‌جانبه هر کدام از کشورهای منطقه، خواهان مأموریت صلح‌یابی ملل متحد می‌شوند که شامل نیروهای چینایی شود. در این شرایط، چین به هیچ صورت مداخله‌ی یک‌جانبه را در نظر ندارد. چین یک طرف یا عامل منازعه‌ی داخلی در افغانستان نیست. اعتبار افغانستان به‌عنوان «گورستان امپراطوری‌ها» به‌شکل دوامدار چین را از مداخله‌ی مستقیم که امتیاز کنونی‌اش از رابطه‌ی نزدیک با کابل و طالبان را صدمه بزند، بازمی‌دارد. به سبب منافع کشورهای منطقه و دخالت آن‌ها در روند صلح، یک راه حل یک‌جانبه به‌گونه‌ی ساده خارج از بحث است.

دوم، در صورتی که رویکرد ملل متحد-محور مشکل یا ناممکن باشد، چین مدتی است این پیشنهاد را مطرح کرده که سازمان همکاری‌های شانگهای نقش بیشتری در افغانستان بازی کند. سازمان همکاری‌های شانگهای یک سازمان منطقه‌ای است که در سال ۲۰۰۱ از

عباس عارقی

گروه طالبان از چین دعوت کرده است که پس از خروج نیروهای امریکایی و ناتو، این کشور در افغانستان سرمایه‌گذاری کند. سهیل شاهین، یکی از سخن‌گویان گروه طالبان در گفت‌وگو با یک روزنامه‌ی چینی گفته است «گروه طالبان دولت چین را دوست افغانستان می‌داند. این گروه از سرمایه‌گذاری چین در بازسازی افغانستان استقبال کرده و امنیت سرمایه‌گذاران و کارگران این کشور را تضمین می‌کنند.» روابط دوستانه‌ی چین با گروه طالبان در شرایطی در حال شکل‌گیری است که از زمان قدرت‌گیری طالبان در ولایات شمال افغانستان، جنگ‌جویان جنبش اسلامی ترکستان شرقی متشکل از مسلمانان جدایی‌طلب اویغور مربوط به ایالت سین‌کیانگ چین، زیر چتر حمایتی گروه طالبان آموزش نظامی می‌بینند. این جنگ‌جویان چینی در کنار طالبان با نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان جنگیده و در روند سقوط ولسوالی‌ها نقش برجسته داشته‌اند.

چین پس از خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان، با فرصت و تهدید تازه‌ای در مرزهای غربی‌اش روبه‌رو است. خروج نیروهای خارجی در شرایطی که افغانستان همچنان درگیر جنگ و بحران است، کشورهای همسایه افغانستان و منطقه را به چالش تازه‌ای طلبیده و دریچه‌ی تازه‌ای از فرصت‌ها و تهدید را از سوی افغانستان به روی آن‌ها گشوده شده است. در این میان جمهوری خلق چین، این ازدهای سرخ خفته در همسایگی افغانستان که اکنون سودای رقابت با امریکا و کشورهای اروپایی را در نظام بین‌الملل بر سردارد، نیز درگیر و متأثر از جنگ و بحران افغانستان خواهد بود و به‌ناچار نقش برجسته در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان خواهد داشت.

از سوی دیگر چین بزرگ‌ترین طرح اقتصادی‌اش را با عنوان طرح راه ابریشم جدید یا «ایتکار یک کمربند، یک جاده» راه‌اندازی کرده است که نظریه‌ی آن در سال ۲۰۱۳م از سوی شی جینگ‌پینگ، رئیس‌جمهور رهبر حزب کمونیست این کشور ارائه شد. چین در تلاش است تا با این طرح بزرگ اقتصادی و سیاسی، از مسیر افغانستان به آسیای میانه و اروپا وصل شود. این ایتکار چینی بر تحولات سیاسی و امنیتی در افغانستان نیز به نوعی

”

چینی‌ها در سیاست داخلی، سه شر را به مثابه‌ی تهدید به امنیت ملی کشور بزرگ‌شان تعریف کرده‌اند که عبارت از جدایی‌طلبی، تروریسم و افراطیت است. اویغورهای مسلمان و جنبش اسلامی ترکستان شرقی که جنگ‌جویان آن اکنون در شمال افغانستان در کنار جنگ‌جویان طالبان فعالیت دارند، مصداق هر سه شر چینی را در خود دارند.

”

## همسایه‌ی سرخ؛

# نقش چین در تحولات سیاسی و امنیتی افغانستان

چین است تا نقش خود را در افغانستان از کنشگر ایذایی به یک بازیگر ایجابی تغییر دهد: «مسأله مسلمانان سین‌کیانگ، اهمیت اقتصادی افغانستان و انتظار از تصویرسازی هژمونیک منطقه‌ای چین مسائلی هستند که باعث می‌شود چین مسائل افغانستان را جدی‌تر دنبال کند و دست به کار شود. اما مسأله مسلمانان چین و در کنار آن امنیت مرزهای این کشور با افغانستان در شرایطی پس از خروج امریکا، جزو خطوط سرخ چین محسوب می‌شود، چرا که افغانستان بی‌ثبات برای چین بسیار خطرناک است.» جعفری معتقد است که اهمیت اقتصادی افغانستان از چند جهت برای چین حائز اهمیت است. اما مهم‌ترین آن موقعیت افغانستان در ایتکار یک کمربند، یک جاده است. چرا که دسترسی به بازار آسیای میانه و اروپا هدف اصلی چین است که در این مسیر افغانستان به‌عنوان یک کشور ناامن، این پروژه‌ی بزرگ چین را به‌صورت تعلیق درمی‌آورد: «چین به

دنبال تثبیت قدرت منطقه‌ای و جهانی خود است. رویای استراتژیک چین، از بین‌بردن تصویر حقارت‌آمیز دهه‌های گذشته است. در این میان جدال‌های مرزی چین رفته‌رفته رنگ خشونت‌آمیزتری به خود گرفته و به سمتی پیش می‌رود که چین ناچار است تا سیاست عدم مداخله نظامی خود را کنار بگذارد. درحالی‌که وضعیت کنونی افغانستان این فرصت را مهیا کرده تا تصویر چین جدید را به جهان نشان دهد. بنابراین در صورت موفقیت چین در میدان افغانستان، در کنار موفقیت‌های اقتصادی و امنیتی، یک تصویر جدید از یک چین قدرتمند ساخته خواهد شد.»

آقای جعفری بر این باور است که اهداف امنیتی چین در افغانستان با سیاست منطقه‌ای اقتصادی این کشور در هم تنیده است. بنابراین چین تا جای ممکن خواهان روابط مستقیم با دولت افغانستان و هم‌زمان با گروه طالبان است، ولی نمی‌خواهد تا جای ممکن از

عینک پاکستان به مسائل افغانستان نگاه کند: «چین سیاست خارجی خودش را در قبال افغانستان دنبال می‌کند و ورود نظامی‌اش به افغانستان به چند عامل بستگی دارد که مهم‌ترین آن سطح درگیری‌ها در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت مرزهای چین است، برعلاوه دیدگاه دولت افغانستان، گروه طالبان، اجماع منطقه‌ای و جهانی که باید حاصل شود.»

نعمت‌الله ابراهیمی، پژوهشگر و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه لاتروب استرالیا در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید سیاست خارجی چین در قبال افغانستان بسیار پیچیده است. برخلاف انتظارات مثبتی که در مورد نقش چین در تحولات افغانستان در سال‌های پسین به‌وجود آمده، معمولاً این انتظارات در عمل تحقق پیدا نکرده است. از سال ۲۰۰۱م، به بعد چین از جمله کشورهای بود که از حضور نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان و منطقه سود برده است: «حضور نظامی امریکا در منطقه جریان‌های تروریستی

می‌خواهد بدون هیچ گونه مقاومت تسلیم امارت شوند و با آن‌ها مقابله نکنند و این عامل سبب شده است که بخشی از ولسوالی‌ها بدون هیچ گونه مقاومت به نفع طالبان سقوط کند و از کنترل دولت خارج و تحت تصرف نیروی مخالف قرار گیرد.

### دیپلماسی و جنگ

گروه طالبان سیاست جدید و دو پهلوی جنگ و دیپلماسی را انتخاب کرده و با استفاده از این شیوه در پی لابی‌گری و جلب حمایت کشورها بوده تا بتواند بخشی از سازمان‌های منطقه را به حمایت از خود بکشاند و با جلب حمایت کشورها هم در میدان جنگ و هم در میز مذاکره بتواند امتیاز بیشتر به‌دست آورد. سفر هیأت طالبان در کشورهای منطقه خود بیانگر این است که طالبان با استفاده از روش دو پهلوی می‌خواهد هم جنگ را گسترش دهند و

و پیگرد افراد مشکوک ضعیف عمل کرده و این ضعف باعث به وخامت‌گراییدن وضعیت امنیتی کشور شده است.

### جنگ روانی و روحیه‌سازی

تبلیغات نقش مهم در تمام امور کشورها به‌خصوص عرصه جنگی دارد و امروزه کشورها و گروه‌ها برای تشریح برنامه‌ها و پلان‌های خویش دست به تبلیغات می‌زنند و گروه طالبان با استفاده از ایجاد صدها حساب در صفحات اجتماعی فعالیت می‌کند و اطلاعات مختلف را پخش و نشر می‌کند. این شایعه‌پراکنی‌ها باعث تضعیف روحیه مردم و نیروهای امنیتی شده و این بخش دیگری از فعالیت‌های گروه طالبان است که با پخش شایعات و اطلاعات غلط انگیزه‌ی نیروهای امنیتی و مردم را ضعیف می‌کند و در محلات اطلاعات فاقد اعتبار را در خورد مردم می‌دهد و از آن‌ها

### افراد نفوذی

پیش‌روی طالبان در مناطق مختلف کشور عوامل زیادی داشته که یکی از این عوامل همکاری افراد نفوذی دولتی و افراد محلی‌اند بوده است. گروه طالبان با استفاده از این افراد توانستند ولسوالی‌های بیشتری را در کنترل و تصرف خویش درآورد.

قرینه‌های موجود در پی سقوط ولسوالی‌ها دل بر صحت‌بودن این ادعا می‌زند که افراد منسوب به دولت و برخی از باشنده‌های محلات در معامله با طالبان در سقوط ولسوالی‌ها به‌گونه‌ای دخیل بوده و دولت در تعقیب و شناسایی این افراد تاکنون موفق نبوده و نتوانسته افراد نفوذی را شناسایی و بازداشت کند.

یکی از وظایف مهم استخبارات هر کشور تحلیل و بررسی اوضاع و شرایط امنیتی است و نهادهای استخباراتی افغانستان در تعقیب

## راهبرد طالبان چیست و چگونه قوت گرفتند؟

”

در سیاست عملی پاکستان در قبال افغانستان هیچ گونه تغییری نیامده و تمویل گروه طالبان هنوز به‌طور پیدا و پنهان از سوی استخبارات پاکستان صورت می‌گیرد و شواهد نشان می‌دهد که برخی از جنگ‌جویان طالب پاکستانی‌اند و علیه دولت افغانستان می‌جنگند.

”

حضور یافتند و به جنگ چریکی پرداختند. آهسته آهسته دامنه‌ی فعالیت‌های خود را به شمال افغانستان از جمله به ولایت قندوز در ولسوالی چهاردره کشاندند.

طالبان با استفاده از جنگ چریکی توانسته‌اند حضورشان را در افغانستان گسترش دهند و پیشرفت چشم‌گیر داشته باشند و جنگ چریکی یکی از انواع جنگ‌های نامنظم است که گروه‌های جنگی با تاکتیک‌های مختلف وارد عمل می‌شود و در تخریب ساحات مختلف می‌پردازند.

### جنگ مداوم

جنگ بدون وقفه به‌طور مداوم از سوی طالبان به نقاط مختلف افغانستان وجود داشته که همیشه طالبان در جنگ با دولت درگیر بوده و این روش خسته‌کننده باعث تضعیف روحیه مردم و نیروهای دلیر امنیتی شد و طالبان همواره در نقاط مختلف هجوم بردند و نقاط کلیدی را در کنترل خویش درآوردند که حضور نقاط کلیدی یکی از عوامل اصلی پیشرفت طالبان در افغانستان قلمداد می‌شود.

عبدالوارث سیفانی

پس از حدود ۲۰ سال شکست و فرار از افغانستان، طالبان دوباره به‌گونه‌ی باورنکردنی ظهور و نقاط مختلف افغانستان را تصرف کرده و بیرق خود را برافراشتند. آن شکست زودهنگام و این پیشرفت بر اثر جنگ‌های طولانی پهلوهایی زیادی دارد.

طالبان پس از شکست در جدی ۱۳۸۰ به‌گونه‌ی کامل لانه‌های خود را از افغانستان برچیده و راهی پاکستان و کشورهای منطقه شدند و کسی فکر نمی‌کرد که این گروه دوباره خود را تجهیز کند و از یک گروه مرده، تبدیل به یک قوت قابل توجه در افغانستان شود، آغاز به فعالیت‌های هراس‌افکنی کند و در فکر تصرف و ایجاد امارت در افغانستان باشد.

### جنگ چریکی

طالبان پس از یک وقفه‌ی طولانی به‌صورت پراکنده از سمت جنوب‌غرب افغانستان آغاز به فعالیت کردند که در ولسوالی‌های مختلف ولایات هلمند، غزنی، زابل پکتیا و ننگرهار



گزارش

# میان دو انفجار، نمی خواهیم او هم خاکستر شود!

## نخستین جشنواره ادبی - هنری زخم های جنگ در کابل برگزار شد

عابر شایگان

و ضدجنگ دسته بندی کرد و گفت: «این جشنواره برای شاعران و نویسندگان در دو بخش شعر و داستان فراخوان داده بود که آثار زیادی از جانب آنان در هر دو بخش به دبیرخانه جشنواره مواصلت ورزید. در اکثر قریب به اتفاق، در این آثار نگاه ضدجنگ حاکم است. روزگار جنگ، حال و هوای جنگ، تبعات ناشی از جنگ، زخم های پس از جنگ، مویه بر مصیبت های جنگ، آرزوی صلح، و رویا فانی برای رسیدن به زندگی بدون جنگ از موضوعات پربسامد آثار رسیده به دبیرخانه است.»

مستولان موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان میزبان برگزار کننده جشنواره ادبی - هنری زخم های جنگ می گویند که فراخوان این جشنواره را در نیمه سرطان ۱۳۹۹ منتشر کردند و از اشتراک کنندگان خواستند که آثارشان را در دو بخش شعر و داستان به دبیرخانه این جشنواره بفرستند. در این جشنواره نزدیک به دودست نفر آثارشان را نامزد کرده بودند که بعد از ارزیابی مقدماتی ۱۶۴ اشتراک کننده - ۹۵ نفر در بخش داستان و ۶۶ نفر

در بخش شعر - شرایط حضور در جشنواره را پیدا کردند. داوران براساس شاخص های پختگی ادبی، زبان، تازگی نگاه، ابتکار ادبی، پرداخت هنرمندانه و قدرت محتوایی، این آثار را بررسی و ارزیابی کردند. سپس در هر بخش آثار سه تن را که بیشترین امتیاز هیات داوران را از آن خود کرده بودند به ترتیب به عنوان برندگان مقام اول، دوم، و سوم برگزیدند و باقی آثار را به عنوان آثار قابل تقدیر انتخاب و به دبیرخانه معرفی کردند.

نعیم نظری، معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر که روز چهارشنبه، ۲۳ سرطان ۱۴۰۰، در محفل اعلام برندگان این جشنواره سخنرانی می کرد، برگزاری چنین جشنواره هایی را برای نهادینه شدن ارزش های حقوق بشری در افغانستان مهم و ارزنده خواند: «این گونه برنامه ها علاوه بر این که صدای قربانیان است، زمینه ساز نبود ریشه های جنگ در افغانستان می شود و از این لحاظ، این برنامه بی نهایت ارزشمند و قابل قدر است. این برنامه می تواند یک گام مهم برای نهادینه شدن ارزش های حقوق بشر در افغانستان محسوب شود.»

کاوه جبران، نویسنده و روزنامه نگار از سخنرانان این جشنواره خطاب به شاعران و نویسندگان جوان گفت که «در حال حاضر نزدیک به صد و هفتاد یا شصت و سوهالی در آتش جنگ می سوزد. یک نیروی کاملا متهم تا دندان مسلح سر هر زنده ای را می برد. هر قامت ایستاده را به خاک می اندازد. با قلم خود از ارزش های انسانی در برابر طالبان دفاع کنید. این به معنای این نیست که مثل طالبان ترانه های مهیج و هیجان انگیز آدم کشی بسرایید. شما این جنایت را نشان بدهید. این شجاعت را که در عصر حاضر اتفاق می افتد، نشان بدهید.»

موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان در سال ۱۳۸۷ تاسیس شده و یک نهاد مستقل و غیرانتفاعی است. هادی معرفت، رییس این موسسه می گوید که با برگزاری جشنواره ادبی - هنری زخم های جنگ چهار هدف را دنبال می کنند: یادآوری از مصایب جنگ و خشونت، رنج های قربانیان، مبارزه با فراموشی و معافیت و حمایت از حقیقت یابی، گفت و گو و التیام فرهنگی؛ تقویت فرهنگ رواداری، خشونت پرهیزی و دیگر پذیری؛ ایجاد انگیزه برای تولید آثار ادبی و هنری در رابطه به جنگ و خشونت و قربانیان آن و کمک به رشد و ترویج ادبیات ضدجنگ و ادبیات قربانی محور؛ کمک به شکل گیری گفت و گو قربانی محور در فرایند صلح افغانستان از طریق خلق و نشر آثار ادبی و هنری.

نخستین جشنواره ادبی - هنری زخم های جنگ با موضوع قربانیان، عدالت و صلح روز چهارشنبه در کابل برگزار شد. آثار بیش از ۱۶۰ شاعر و نویسنده مورد ارزیابی هیات داوران این جشنواره قرار گرفته و آثار برگزیده آن ها در دو مجموعه شعر و داستان زیر عنوان «میان دو انفجار» و «نمی خواهیم او هم خاکستر شود» چاپ و منتشر شده است. میزبان و برگزار کننده این جشنواره موسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان است. در بخش داستان، امید حق بین با داستان «مرگ خواستن» برگزیده مقام نخست، عصت الله کهزاد با داستان «اتاق ۱۱۵» و معصومه امیری با داستان «تو چی فکر می کنی رضا؟» برگزیدگان مقام دوم مشترک و نورمحمد علی چوپانی با داستان «تایرهای کراچی چهارتایره» و رضا آغاز با داستان «دنیای مرده ها» برگزیدگان مقام سوم مشترک جشنواره ادبی - هنری زخم های جنگ شده اند. مجموعه داستان های برگزیده این جشنواره با عنوان «نمی خواهیم او هم خاکستر شود» در برگزیده ۱۴ داستان کوتاه است. مسئولیت داوری بخش داستان این جشنواره را تقی واحدی، حمیرا قادری و یعقوب یسنا به عهده داشته اند.

تقی واحدی عضو هیات داوران بخش داستان این جشنواره در مقدمه ای این کتاب نوشته است که برگزاری چنین جشنواره هایی از سه راه ساختار جشنواره ای، مضمون های بیدارکننده و موضوع روایی، می تواند به پیشگیری از جنگ و دست کم کاهش منازعه های خونین کمک کند. او در خصوص مضمون این جشنواره گفته است که «برای دواطلبان این فرصت طلایی را فراهم کرده که با خلق شخصت های قربانی شده و مجروح و روایت تلخ کامی های آن ها در فضاهای باورپذیر، احساس گناه و همدلی را در مای خواننده بیدار نماید و به این ترتیب روحیه ای ما را در راستای کاهش نفرت و دوری جستن از رفتارهای ویرانگر، ترمیم و پشیمانی نماید.»

آقای واحدی گفته است که اشتراک کنندگان این جشنواره، به طرز هنرمندانه ای درد قربانی شدن و در حاشیه بودن را بیان کرده اند. او بریده ای چند داستان را در مقدمه آورده و گفته است حیفتش می آید

که به تکنیک ها، وضعیت ها و شخصیت های خلق شده در این داستان ها اشاراتی نداشته باشد؛ مثل بریده ای از داستان مرگ خواستن: «این طور نبود که او یک روز از خواب آشفته ای بریده و در رخت خواب خود را یک کافر مطلق یافته باشد. برای او تبدیل شدن از یک خداترس به یک خداناباور روندی چندین و چند ساله داشت.» و یا مثل بریده ای از داستان رویا: «چرا و سنوالتوی خانه ما نبود... بعدا فهمیدم که بابا... گوش شنیدن نداشت... چراهای زندگی من هم همه بالا می آمدند اما از دهانم بیرون نمی پریدند.»

در بخش شعر، رامین مظهر برگزیده مقام اول، حکمت الله نظری، برگزیده مقام دوم و جلال نظری برگزیده مقام سوم این جشنواره شده اند. مجموعه شعرهای برگزیده جشنواره زخم های جنگ با عنوان «میان دو انفجار» چاپ شده و در برگزیده سروده های ۱۶ شاعر است. اعضای هیات داوران بخش شعر این جشنواره، محمدشرف سعیدی، دکتر سرو رسا رفیع زاده و مهتاب ساحل بوده اند.

دکتر سرو رسا رفیع زاده، عضو هیات داوران بخش شعر این جشنواره که در مراسم اعلام برگزیدگان و اهدای جایزه به آن ها سخنرانی می کرد، آثار ادبی معاصر افغانستان را به دو بخش جنگ

ولی چین منحیث یک قدرت جهانی، سیاست مستقل خود را در قبال افغانستان به پیش می برد و کمتر بر ملاحظات سیاسی و امنیتی پاکستان اتکا می کند.

چین به عنوان یک کشور بزرگ از لحاظ جمعیت، وسعت، اقتصاد و امور نظامی اگر چند در سال های اخیر رشد اقتصادی بی پیشینه را تجربه کرده و در حال تبدیل شدن به تنها رقیب جدی ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپایی در عرصه اقتصادی و نظامی است و همچنان تلاش می کند تا به مثابه یک قدرت هژمون در نظام بین الملل عرض اندام کند. اما در امور داخلی اش، برعلاوه مسأله تایوان، هنگ کنگ و حضور نظامی رو به گسترش امریکا در دریای چین جنوبی، با چالش رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی در ایالت سین کیانگ نیز درگیر است که در مرز با افغانستان قرار دارد. چینی ها در سیاست داخلی، سه ش را به مثابه ی تهدید به امنیت ملی کشور بزرگشان تعریف کرده اند که عبارت از جدایی طلبی، ترویسیم و افراطیت است. او یغورهای مسلمان و جنبش اسلامی ترکستان شرقی که جنگ جویان آن اکنون در شمال افغانستان در کنار جنگ جویان طالبان فعالیت دارند، مصداق هر سه شر چینی را در خود دارند؛ خواهان استقلال سین کیانگ از چین هستند، با توجه به تعریف حزب کمونیست چین، او یغورهای که در قالب جنبش اسلامی ترکستان شرقی فعالیت دارند تروریست هستند و افراطیت دینی در میان این ها در حال رشد و گسترش است.

با این حال، رییس دولت و رهبر حزب کمونیست چین گفته است که در صورت قلدوری بدخواهان چین «سر آنها را بر دیوار می کوبند». در حالی که همسایگی اش از سوی گروه طالبان دعوت شده تا روابط دوستانه داشته باشند. این تناقض که طالبان به لحاظ ماهیت ایدئولوژیکی همسو با دشمن چین هستند و در عین حال در مناطق زیر کنترل خود در افغانستان جدایی طلبان چینی را پناه داده اند، قابل جمع است نیست. اما پرسش های زیادی مطرح می شود که بایستی گذر زمان پاسخ دهد؛ این که آیا گروه طالبان او یغورهای جدایی طلب چینی را از مناطق زیر کنترل خود خارج خواهند کرد؟ اگر نه، برخورد چین طالبان در آینده چگونه خواهد بود؟

### تحلیل

و بار ملامتی را از دوش خود بردارد، ولی در سیاست عملی پاکستان در قبال افغانستان هیچ گونه تغییری نیامده و تمویل گروه طالبان هنوز به طور پیدا و پنهان از سوی استخبارات پاکستان صورت می گیرد و شواهد نشان می دهد که برخی از جنگ جویان طالب پاکستانی اند و علیه دولت افغانستان می جنگند. تا زمانی که پاکستان در سیاست عملی خود تغییر نیابد تمام ابراز نظرها که از سوی دولت پاکستان صورت می گیرد، مردم افغانستان به آن به دیده تردید می بینند و پاکستان با چنین رویکرد جامعه جهانی اغوا می کند.

### نتیجه گیری

طالبان با تاکتیک های مختلف در افغانستان می جنگند و این تاکتیک ها برای طالبان کمک کرده است که در جنگ با دولت موفقیت داشته و بخشی از ولسوالی های کشور را از کنترل دولت بیرون و در تصرف خویش قرار دهند. این تاکتیک های استفاده شده ساخته خود طالبان نبوده، بلکه از سوی سازمان های جاسوسی مورد آموزش قرار گرفته و وارد خاک افغانستان می شوند.

جنگ در افغانستان متأثر از سیاست جهانی و رقابت میان قدرت های بزرگ است که برای تأمین منافع شان در افغانستان جنگ های نیابتی را دنبال می کنند تا بتوانند از این جغرافیا اهداف خویش را تعقیب و به آن دسترسی پیدا کنند. رویکرد امریکا در افغانستان و سیاست پاکستان در قبال این کشور از موارد درشت دخیل در جنگ فعلی قلمداد می شود که یادآوری شد و امریکا در رقابت با چین و پاکستان در رقابت با هند به منظور برآورده شدن خواسته های شان در اذهان عامه مردم مقصرد و تا زمانی که سیاست کشورهای منطقه و فرا منطقه به افغانستان تغییر واقعی نکند، چشم انداز آینده نیز مطلوب به نظر نمی رسد.

و بنیادگرایی اسلامی از جمله او یغورها را تا حدی زیر کنترل نگاه داشت و زمینه ی رشد اقتصادی چین از جمله وصل کردن آن به آسیای میانه را فراهم کرده است. با این همه چین با کشورهای غربی از جمله امریکا و سازمان ناتو در مناطق مختلف جهان وارد رقابت های استراتژیک شده و این رقابت های استراتژیک روی مسائل افغانستان نیز تأثیر گذار بوده است.»

آقای ابراهیمی معتقد است که سیاست خارجی چین در افغانستان فعلا پس از خروج نیروهای امریکایی و ناتو بر دو محور کلان مطرح است: «اول محور امنیتی است که ناشی از حضور بنیادگرایان او یغور در خاک افغانستان می باشد. دوم محور اقتصادی است. چین علاقه مند است که به منابع زیرزمینی و معدنی افغانستان دسترسی داشته باشد که البته در این زمینه کارهای را نیز انجام داده، مثل قرارداد میس عینک. با این همه فکر نمی کنم که چین به حیث یک قدرت نظامی بزرگ آمادگی این را داشته باشد که بخواهد با هزینه نظامی و سیاسی تلاش کند در افغانستان امنیت بیاورد.» عمر صمد، تحلیلگر ارشد شورای آتلانتیک و سفیر پیشین افغانستان در بلجیم در گفت و گو با اطلاعات روز در مورد احتمال دخالت نظامی چین در افغانستان پس از خروج نیروهای امریکایی، می گوید تا زمانی که کدام تهدید مستقیم و جدی از قلمرو افغانستان متوجه چین نشود، این کشور دست به اقدام نظامی نمی زند و یا مستقیم وارد عمل نمی شود. بلکه «چین در مجموع خواهان حل سیاسی بحران افغانستان است و بی ثباتی را در سرحدات غربی خود به نفع اهداف ژئو-اقتصادی و پروژه راه ابریشم جدید یا ابتکار یک کمربند، یک جاده نمی داند. این کشور در نظر دارد تا در صورت امکان افغانستان را به دهلیز اقتصادی پاکستان CPEC وصل کند.»

آقای صمد در مورد رابطه ی گروه طالبان با جنگ جویان او یغور در قالب جنبش اسلامی ترکستان شرقی می گوید طالبان ترجیح می دهند در قضیه او یغورها بی طرف باشند؛ «چنان که یکی از سخن گویان گروه طالبان مسأله او یغورها را یک قضیه داخلی چین قلمداد کرده، چون در شرایط فعلی تحریک کردن چین و پاکستان به نفع گروه طالبان نیست.» آقای صمد بر این باور است که هر چند چین و پاکستان رابطه ی استراتژیک عمیق دارند،

هم حمایت کشورها را برای مشروعیت بخشیدن امارت طالبان در افغانستان به دست آورند. در توافقنامه امریکا با طالبان، یکی از موارد توافق کاهش خشونت ها در کشور بود؛ ولی برعکس، خشونت ها نه تنها کاهش نیافت که افزایش یافت و ایالات متحده موضوع کاهش خشونت ها را جدی نگرفت و آن را بی گیری نکرد. نکاتی که شمرده شد به باور من موارد کلیدی از راهبرد طالبان بوده و با استفاده از این تاکتیک ها در افغانستان طی این سال ها پیشرفت کرده و عوامل خارجی در قوت گرفتن طالبان برمی گردد به حمایت کشورهای منطقه و فرامنطقه که به نکات مهم آن می پردازیم.

### سیاست دو پهلو ایالات متحده امریکا

ایالات متحده امریکا پس از امضای پیمان امنیتی در سال ۱۳۹۳ با افغانستان دچار اشتباه هایی شد که این اشتباه ها منجر به تقویت گروه طالبان گردید و امروز بخش بزرگی از جنگ افغانستان، از بی کفایتی و بی تعهدی امریکا به جنگ و ادامه همکاری های دوامدار با افغانستان است که با سیاست چندپهلو جنگ را به گونه ی سالم مدیریت نکرد. پنهانی به فکر رقابت خود با چین از طریق افغانستان بود و اساسا ما قربانی رقابت قدرت های بزرگ هستیم و هر کشوری تلاش می کند از جغرافیای افغانستان رقابت خود با کشورهای رقیب را دنبال کند. خروج غیرمترقبه ی امریکا و ناتو یکی از عوامل مهم رویدادهای امروز بوده که سبب دلیری گروه طالبان در جنگ با حکومت افغانستان شده و این گروه با استفاده از فرصت پیش آمده بر نقاط مختلف هجوم بردند و ولسوالی های زیادی را یکی پی دیگر تحت تسلط خود در آوردند.

### حمایت پاکستان از طالبان

پاکستان با استفاده از سیاست اعلامی همواره تأکید بر عدم دخالت در امور افغانستان داشته و خواسته از اصل واقعیت موجود ظفره برود



عکس: AHRDO/Haider Yasa

وزیر خارجه امریکا:

رهبران سیاسی لبنان فرصت ۹ ماه گذشته را هدر دادند



وزیر امور خارجه امریکا از رهبران سیاسی لبنان خواسته است تا «فورا اختلافات» را کنار بگذارند و دولتی تشکیل دهند که به مردم لبنان خدمت کند. آنتونی بلینکن همچنین در توییتی نوشت: ما از تحولات لبنان مایوس شدیم و اینکه رهبران سیاسی فرصت ۹ ماه گذشته را هدر داده‌اند مایه دلسردی است. سعد حریری دومین نامزد تشکیل دولت لبنان ظرف ۱۲ ماه گذشته است. پیشتر مصطفی ادیب تلاش کرده بود که دولت تشکیل دهد ولی ناکام مانده بود. رهبران لبنان طی یک سال گذشته مرتباً یکدیگر را مقصر بحران‌های کشور معرفی می‌کنند. میشل عون، رئیس‌جمهوری لبنان هم در واکنش به استعفای سعد حریری گفته است او حاضر نبود در خصوص تغییرات مذاکره کند. ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه نیز به استعفای سعد حریری واکنش نداشته داده و گفته است، به نظر می‌رسد رهبران لبنان قادر به یافتن راه حلی برای بحرانی که خود ایجاد کرده‌اند نیستند.

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا روز پنجشنبه ۲۴ ماه سرطان به دنبال انصراف سعد حریری از مأموریت تشکیل کابینه، گفت رهبران سیاسی لبنان فرصت ۹ ماه گذشته را هدر دادند. به نقل از رادیو فردا، سعد حریری روز پنجشنبه پس از ۹ ماه تلاش برای تشکیل دولت جدید لبنان انصراف خود را اعلام کرد و گفت که روشن است نمی‌تواند با میشل عون، رئیس‌جمهوری، به توافق برسد. آنتونی بلینکن در بیانیه‌ای گفته است، استعفای امروز سعد حریری از سمت نخست‌وزیری مکلف یکی دیگر از تحولات مایوس‌کننده برای مردم لبنان بود. وزیر امور خارجه امریکا تصریح کرده است، طبقه سیاسی لبنان (فرصت زمانی) ۹ ماه گذشته را به هدر دادند. اقتصاد لبنان در حال سقوط آزاد است و دولت فعلی قادر نیست خدمات اساسی را به روشی مطمئن به مردم ارائه کند. آنتونی بلینکن تأکید کرده است، حیاتی است که یک دولت متعهد و قادر به اجرای اصلاحات اولویت دار اکنون تشکیل شود.

لاستیک خیابان‌ها را مسدود کردند. منابع امنیتی لبنان می‌گویند در اعتراضات روز پنجشنبه یک سرباز مجروح شده است. میشل عون که با فهرست سعد حریری مخالفت کرده است، در سال ۲۰۱۶ از سوی پارلمان لبنان برای یک دوره شش ساله به عنوان رئیس‌جمهوری انتخاب شد. او از متحدان گروه حزب‌الله، مورد حمایت ایران، است. دولت قبلی لبنان به نخست‌وزیری حسان دیباب در پی انفجار مهیب اوت ۲۰۲۰ در بندرگاه بیروت استعفا داد ولی به عنوان دولت موقت امور جاری کشور را اداره می‌کند. در آن انفجار بیش از ۲۰۰ نفر کشته و حدود شش هزار نفر زخمی شدند و هزاران ساختمان مسکونی و تجاری ویران شد و یا به شدت آسیب دیدند. لبنان از بحران شدید اقتصادی رنج می‌برد که بانک جهانی آن را یکی از بدترین بحران‌ها در تاریخ مدرن توصیف کرده است. واحد پول لبنان، پوند، ظرف دو سال اخیر بیش از ۹۰ درصد ارزش خود را از دست داده که باعث تشدید فقر و کمبود مواد غذایی، سوخت و دارو در این کشور شده است.

ژان ایو لودریان عدم تشکیل کابینه را یک حادثه وحشتناک دیگر دانست. در همین حال به دنبال انصراف سعد حریری از سمت نخست‌وزیر مکلف، در بخش‌های سنی نشین بیروت تظاهرات اعتراضی برگزار شد و معترضان با آتش زدن

۱۷ سناتور جمهوری خواه طرح تحریم حقوق بشری خامنه‌ای و رئیسی را ارائه دادند

«مسئول قتل‌عام هزاران ایرانی» نام برده است. او گفته است این دو نفر باید «هدف تحریم‌های شدید» امریکا باشند و بر «حفظ تحریم‌های ضروری» علیه حکومت ایران تأکید کرده است. در هفته‌های گذشته گزارش‌هایی منتشر شده بود که دولت ایران از دولت بایدن خواسته است که در جریان رفع تحریم‌هایی که قرار است برای بازگشت ایران به برجام صورت گیرد، باید تحریم‌ها علیه رهبر جمهوری اسلامی و دفتر او نیز برداشته شود. دولت دونالد ترامپ سوم سرطان ۹۸ در واکنش به سرنگونی پهباد این کشور بر فراز تنگه هرمز تحریم‌هایی علیه آیت‌الله خامنه‌ای و منصوبان او وضع کرد.

اطلاعات روز: در حالی که در جریان مذاکرات احیای برجام، چگونگی برداشته شدن تحریم علیه رهبر جمهوری اسلامی و دفتر او به یک موضوع چالش برانگیز تبدیل شده، ۱۷ سناتور جمهوری خواه امریکایی طرحی را برای اعمال تحریم‌های حقوق بشری علیه علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی به سنا ارائه داده‌اند. به گزارش رادیو فردا، تد کروزر، سناتور جمهوری‌خواه، که رهبری این حامیان این طرح را بر عهده دارد، با اشاره به احتمال حذف تحریم‌ها علیه رهبر حکومت ایران، خامنه‌ای را متهم به «فساد، خشونت و دزدیدن اموال ایرانیان» کرده و از ابراهیم رئیسی به عنوان

در فرمان اجرایی دونالد ترامپ تصریح شده بود که این تحریم‌ها به دلیل «اقدامات مخرب ایران و گروه‌های نیابتی‌اش، به ویژه اقداماتی که ثبات را در خاورمیانه برهم می‌زنند، حمایت از تروریسم بین‌المللی، توسعه برنامه موشک‌های بالستیک، اقدامات غیر مسئولانه و تحریک آمیز ایران در آب‌های بین‌المللی از جمله حمله به دارایی‌های نظامی ایالات متحده و کشتی‌های غیر نظامی» اعمال می‌شوند. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور منتخب ایران، نیز عقرب سال ۹۸، هنگامی ریاست قوه قضاییه را بر عهده داشت، در فهرست تحریم‌های دولت ترامپ قرار گرفت. پافشاری ایران برای رفع تحریم رهبر جمهوری اسلامی

و بیت او یکی از دلایل تأخیر در دسترسی به توافق هسته‌ای عنوان شده است. این تحریم‌ها با توجه به اینکه رهبر جمهوری اسلامی ایران به خارج از کشور سفر نمی‌کند و با شرکت‌های امریکایی نیز داد و ستد ندارد، جنبه نمادین دارند ولی مقامات تهران تحریم بالاترین مقام کشور را توهین‌آمیز تلقی می‌کنند و برای دستیابی به توافق، بر رفع تحریم رهبر کشور اصرار دارند. سناتورهای جمهوری‌خواه حامی طرح تحریم حقوق بشری علیه خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی اما امیدوار هستند که با طرح تازه‌شان دولت باید نتواند تحریم‌های موجود علیه رهبر جمهوری اسلامی را حذف کند.

شمار کشته‌های سیل آلمان به بیش از ۸۰ نفر رسید



طوری که دمای هوا در بخشی از ایالت بریتیش کلمبیا به نزدیک ۵۰ درجه سانتیگراد رسید. این ۵ درجه بالاتر از رکورد قبلی در کانادا بود و مقام‌ها صدها مرگ اضافه را به آن نسبت می‌دهند. آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در دیدارش با آقای بایدن گفت «برای کسانی که جان خود را از دست داده‌اند سوگوار است». «به فکر شما هستم، و می‌توانید مطمئن باشید که دولت‌های فدرال، منطقه‌ای و محلی همه نیروهای خود را در این شرایط بسیار سخت برای نجات جان مردم، کاهش خطرات و کاهش اضطراب به کار خواهند گرفت.» در آلمان هلی کوپترهای پولیس و صدها سرباز در نواحی آسیب دیده بسیج شده‌اند تا به ساکنانی که به تله افتاده

اطلاعات روز: آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان به سیل‌زدگان گفته که دولت آنها را تنها نخواهد گذاشت. آلمان و چند کشور دیگر غرب اروپا با بدترین سیل در دهه‌های اخیر مواجه بوده‌اند که ده‌ها کشته بر جا گذاشته است. به گزارش بی بی سی فارسی، بارندگی سیل‌آسا در غرب اروپا باعث فوران رودخانه‌ها شده است. در آلمان دست‌کم ۸۰ نفر کشته و شماری بیشتر مفقود هستند. در بلژیک شمار کشته‌ها به ۱۱ نفر رسیده از جمله یک دختر ۱۵ ساله. ایالت‌های پرجمعیت راینلند-پالاتین و راین شمالی-وستفالن آلمان بیشترین آسیب را دیده‌اند، اما هلند هم به شدت تحت تأثیر سیل قرار گرفته است. خانم مرکل در جریان دیداری با جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در واشنگتن، «تاسف عمیق» و «همدردی» خود با مردم آسیب دیده را اعلام کرد و گفت دولت در کنار آنها خواهد بود. او گفته ابعاد این واقعه در روزهای آینده بیشتر مشخص خواهد شد. ۱۵ هزار نیروی امدادی و پولیس در مناطق سیل‌زده در حال امدادرسانی هستند. انتظار بارندگی‌های سنگین تا روز جمعه در منطقه می‌رود و مقام‌های محلی تغییر اقلیم را مقصر شناخته‌اند. آرمین لاشت، وزیر اول راین شمالی-وستفالن، در جریان دیداری از نواحی آسیب دیده این رویداد شدید آب و هوایی را به گرمایش زمین نسبت داد. او گفت: «ما این نوع رویدادها را از این پس بیشتر و بیشتر تجربه خواهیم کرد، در نتیجه باید اعمال تدابیر حفاظتی در برابر تغییر اقلیم را تسریع کنیم... چون تغییر اقلیم فقط به یک منطقه یا یک کشور محدود نمی‌شود.» کارشناسان می‌گویند که تغییر اقلیم باعث وقوع بیشتر رویدادهای شدید آب و هوایی خواهد شد. اخیراً غرب کانادا گرمای بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد به

آلمانی مولر، ۶۵ ساله در ماین، گفت: «هیچ کس انتظار این حادثه را نداشت - این همه باران از کجا آمد؟ دیوانه وار است. چنان صدای مهیبی داشت و با چنان سرعتی آمد که فکر کردیم در را می‌شکند.» اوتروود مه‌پر ۳۶ ساله گفت که «هرگز چنین چیزی ندیده است.» «پدر شوهرم که تقریباً ۸۰ سال دارد و اهل ماین است می‌گوید در عمرش شاهد چنین پدیده‌ای نبوده.» در بلژیک تصاویر تکان‌دهنده از اتومبیل‌هایی که سیل در خیابان‌های شهر وروپرز با خود می‌برد منتشر شده است. ساکنان لی‌پژ سومین شهر بزرگ بلژیک بعد از بروکسل و آنتورپ دستور تخلیه خانه‌ها را گرفته‌اند. مقام‌ها گفتند کسانی که قادر به ترک خانه‌ها نیستند باید به طبقات بالایی خانه‌ها بروند. انتظار می‌رود رود میوز که از میان این شهر جاری است و همین حالا هم در آستانه طغیان قرار دارد ۱.۵ متر دیگر بالا بیاید. مقام‌ها همچنین نگران ریختن پلی در شهر هستند. دولت محلی در بیانیه‌ای گفت: «این بحران استثنایی است و مردم باید به هم کمک کنند.» ساکنان شهر کوچک پینستر بلژیک که در مصب دو رود در استان لی‌پژ قرار دارد روز پنجشنبه با یک کامیون بزرگ تخلیه شدند، اما وضعیت در تروز آنقدر بد است که عملیات تخلیه خانه‌ها فعلاً متوقف شده. در هلند گزارشی از کشته یا زخمی شدن مردم منتشر نشده اما از هزاران نفر در شهرهای کوچک و روستاها که در طول رود میوز زندگی می‌کنند خواسته شده خانه‌هایشان را ترک کنند. سیل در والکنبرگ در نزدیکی مرز بلژیک و آلمان مرکز شهر را فراگرفت و باعث تخلیه چندین خانه سالمندان شد.

اند کمک کنند. ده‌ها نفر روی بام خانه‌هایشان منتظر کمک هستند. مدارس در اطراف غرب آلمان تعطیل و خطوط ارتباطی به شدت مختل شده است. به گفته شبکه تلویزیونی «اس دبیلو آر» آلمان، حدود ۲۵ خانه در محله شولد بی آدنو در منطقه کوهستانی آیفل، جایی که وضعیت اضطراری اعلام شده، در خطر فروریزی است. این شبکه گفت که راه ارتباطی برخی خانه‌ها کاملاً با جهان بیرون قطع شده و حتی با قایق نمی‌توان به آنها دسترسی یافت. ساکنان در منطقه به خبرگزاری فرانسه گفتند که از این فاجعه تکان خورده‌اند.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی | zaki.daryabi2@gmail.com | ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی | سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرزی

مترجم: جلیل پژواک

ویپرستار: شیر مهربار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا | شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ | mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه | شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ | ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ | توزیع: کلون فرهنگ‌ی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

■ ماکسیم سوچکوف، میدل ایست آی  
■ مترجم: جلیل پژواک

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان ادامه دارد. گروه طالبان با گسترش قلمرو خود و تصرف زیرساخت‌های نظامی کلیدی به سرعت در حال پرکردن خلأ به میان آمده از خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان است. هفته گذشته این گروه مدعی شد که ۸۵ درصد خاک کشور را کنترل می‌کند. پس از آن که صدها شهروند افغانستان به شمول شماری از سربازان ارتش این کشور از مرزهای شمالی به خاک تاجیکستان و ازبکستان گریختند، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال کشیده شدن بی‌ثباتی به آسیای میانه در حال افزایش است. در این وضعیت بسیاری از حکومت‌های منطقه به مسکو برای دریافت پشتیبانی و محافظت چشم دوخته‌اند.

روسیه در واقع اصل‌کاره منطقه است. به استثنای ترکمنستان که با افغانستان هم‌مرز است اما سیاست بی‌طرفی دارد، سایر کشورهای آسیای میانه تعاملات نزدیکی تحت چتر روسیه دارند. قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اعضای «سازمان پیمان امنیت جمعی» هستند. این سازمان، ابتکار دفاعی-امنیتی جمهوری‌های شوروی سابق به رهبری روسیه است. روسیه مدت‌هاست نگران حضور افراط‌گرایان اسلام‌گرا در نزدیکی مرزهای خود یا در مناطق مجاور است. همین نگرانی دلیل همکاری روسیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ با ایالات متحده و ناتو در افغانستان و دلیل آغاز کارزار نظامی مسکو در سال ۲۰۱۵ در سوریه بود. با وجود این بیشتر قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق در امتداد مرزهای روسیه که مسکو آنرا «خارج نزدیک» می‌نامد، طی سال‌های اخیر در معرض افراط‌گرایی قرار گرفته و صحنه برخورد‌های نظامی بوده است. نمونه‌های آن جنگ در شرق اوکراین، بی‌ثباتی در بلاروس، جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بر سر ناگورنو-قره‌باغ و آشفتنگی‌ها در قرقیزستان. چشم‌انداز بازگشت طالبان به قدرت از دیگر نگرانی جدی کرملین است.

بازار گمانه‌زنی‌ها و توطئه در میان قشر سیاسی و کارشناسی روسیه مبنی بر این که ایالات متحده عمداً در مرزهای روسیه آتش‌بازی راه می‌اندازد - تا مسکو را در اوراسیا مشغول و از دخالت در امور غرب دور نگه دارد - هرگز سرد نبوده است. و این که طالبان اکنون پایگاه‌های ارتش افغانستان را یکی پس از دیگری تصرف می‌کنند و به انبوهی از جنگ‌افزارهای امریکایی برجامانده از ارتش افغانستان دست می‌یابند، فقط به آتش بدگمانی در روسیه دامن می‌زند. درحالی که «قشر وراج» مسکو از ناکامی ایالات متحده در برقراری ثبات در افغانستان پس از ۲۰ سال حضور به هیجان آمده‌اند، تصمیم‌گیرندگان ارتش روسیه به دنبال راه‌هایی برای تعامل با طالبان به‌عنوان یک «شر لازم» هستند که مسکو باید با آن بسازد.

## طالبان برای روسیه همان «شر لازم» است



قاره‌ای» کلاسیک عمل می‌کند و می‌کوشد تعداد جبهه‌هایی را که یک تهدید نظامی امکان دارد از آن متوجه طالبان شود، محدود کند. روسیه نیز عین کار را انجام می‌دهد.

با توجه به درس تلخ تهاجم شوروی به افغانستان، مشکلات نظامی و اقتصادی روسیه و نیز سایر اولویت‌های سیاسی فعلی مسکو، افغانستان از نظر روس‌ها در حال حاضر یک «حواص‌پرتی غیرضروری» است. اما ثبات آسیای میانه، امنیت مرزهای جنوبی روسیه و همچنین نگرانی از گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، همه مواردی هستند که پوتین برای رسیدگی به آن همیشه وقت، منابع و اشتباهی لازم را دارد. این امر به‌ویژه اکنون که او معتقد است ارتش روسیه امکانات بیشتری نسبت به اتحاد جماهیر شوروی برای سیاه‌کردن روزگار طالبان دارد، بدون این که وارد افغانستان شود، بسیار صادق است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که در مسکو، گفت‌وگو بین روس‌ها و طالبان بیشتر از این که تبادل وعده بین دو طرف بوده باشد، جلسه‌ی مسکو برای تعیین خط سرخ‌هایش بوده است.

### گزینه کمتر بد؟

روسیه احتمالاً دوست ندارد در چند مایلی مرزهایش بیرق یک امارت اسلامی علم شود. اما روس‌ها معتقدند تا زمانی که آجندای طالبان محلی باشد و مثل داعش جهانی نباشد و تمرکز این گروه بر وضع قوانین شریعت درون مرزهای افغانستان محدود بماند - و مهم نیست این قوانین برای مردم افغانستان بد باشد - مسکو می‌تواند با آن کنار آید. «اداره اصلی اطلاعات روسیه» یا «گرو» همچنان مترصد اوضاع خواهد ماند؛ وزارت دفاع روسیه با همتایان خود در آسیای میانه هماهنگی‌های نظامی خود را افزایش خواهد داد؛ سرویس‌های امنیتی فدرال روسیه مشغول ردیابی احتمال گسترش نفوذ اسلام‌گرایان در آسیای میانه و روسیه خواهد بود؛ و سرویس کنترل مواد مخدر فدرال روسیه برای جلوگیری از عملی شدن طرح‌های بالقوه جدید برای تولید هروئین و انتقال مواد مخدر به روسیه در حالت آماده‌باش قرار خواهد گرفت. این‌ها همه هزینه و کار می‌خواهد، اما هنوز به‌نظر می‌رسد که با توجه به هزینه‌های بالقوه سنگین درگیر شدن ارتش روسیه در افغانستان بدون هدف سیاسی مشخص، گزینه کمتر بد مسکو است.

با این حال باید منتظر ماند و دید که این رویکرد مؤثر واقع می‌شود یا خیر. اوضاع در افغانستان به سرعت در حال تغییر است.

ماکسیم سوچکوف پژوهش‌گر غیرمقیم نشریه «میدل ایست آی» انستیتوت خاورمیانه، همکار ارشد و استادیار «انستیتوت دولتی روابط بین‌الملل مسکو»، کارشناس غیرمقیم «شورای امور بین‌الملل روسیه» و همکار پژوهشی «انستیتوت مطالعات سیاسی بین‌المللی ایتالیا» است.

طالبان در حال مذاکره با روس‌ها بود، هیأت دیگری از جانب این گروه با مقامات ایرانی ملاقات داشت.

### خط سرخ‌های روسیه

روز جمعه ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه ولادیمیر پوتین در افغانستان برای لحظاتی با طالبان در خصوص نگرانی‌های روسیه در قبال وضعیت موجود گفت‌وگو کرد. لیست نگرانی کابلوف برای نمایندگان طالبان چهار مورد عمده را شامل می‌شد: احتمال کشیده شدن بی‌ثباتی از افغانستان به آسیای میانه، تهدید داعش برای روسیه و متحدان مسکو در آسیای میانه، قاچاق مواد مخدر و امنیت نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی روسیه در افغانستان.

طالبان تلاش کردند به کابلوف درباره هر چهار مورد اطمینان خاطر دهند. آن‌ها گفتند که حریم مرزی کشورهای آسیای میانه را «نقض نمی‌کنند» و درباره امنیت نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی‌های کشورهای خارجی در افغانستان تضمین» ارائه می‌دهند. آن‌ها همچنین گفتند که متعهد «به ریشه‌کن کردن تولید مواد مخدر در افغانستان» هستند و اظهار داشتند که «برای جلوگیری از تهدید داعش در افغانستان» قاطع و مصمم هستند.

اگر این اظهارات از جانب طالبان فقط در قالب «وعده» به روسیه پیشکش می‌شد، کسی در مسکو آن را جدی نمی‌گرفت. اما طالبان نشان داده‌اند که از دهه ۲۰۰۰ به بعد نه تنها از نظر نظامی قوی شده‌اند بلکه از نظر سیاسی نیز به بلوغ رسیده‌اند. این گروه با انجام دیپلماسی از طریق کانال‌های پشت‌پرده خود با چینی‌ها و ایرانی‌ها و با دیپلماسی رفت و برگشت خود با روس‌ها و امریکایی‌ها، حالا به‌عنوان «قدرت

با توجه به درس تلخ تهاجم شوروی به افغانستان، مشکلات نظامی و اقتصادی روسیه و نیز سایر اولویت‌های سیاسی فعلی مسکو، افغانستان از نظر روس‌ها در حال حاضر یک «حواص‌پرتی غیرضروری» است. اما ثبات آسیای میانه، امنیت مرزهای جنوبی روسیه و همچنین نگرانی از گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، همه مواردی هستند که پوتین برای رسیدگی به آن همیشه وقت، منابع و اشتباهی لازم را دارد.

«جمهوری اسلامی»، که عنوان رسمی افغانستان امروز است، استفاده می‌کردند. این کار نشانه‌ای واضح از چشم‌انداز این گروه در مورد افغانستان و تلاش نه‌چندان ماهرانه نمایندگان طالبان برای معرفی کردن خودشان به‌عنوان «برندگان» که می‌توانند سرنوشت «شکست‌خوردگان» (یعنی حکومت افغانستان) را تعیین کنند، به چشم آمد.

به‌نظر می‌رسد که تاکتیک فعلی طالبان دو سره است: این گروه در همان حال که بر سر تصرف برخی مناطق افغانستان با نیروهای دولتی این کشور می‌جنگد، در تلاش کسب مشروعیت بین‌المللی و کسب رضایت یا عدم مخالفت قدرت‌های بزرگ است. و ظاهراً قدرت‌های بزرگ در حال کنار آمدن با این واقعیت هستند که بازگشت طالبان به قدرت، چه کسی آن را بخواهد چه نخواهد، بسیار بسیار محتمل است. و به این دلیل رهبری کشورهای مهم منطقه (از ایران گرفته تا چین و روسیه) هم‌اکنون در حال مذاکره با طالبان برای تأمین منافع خود و نیز ترسیم خط سرخ‌های خود با این گروه هستند. جالب این که در همان روز که هیأتی از جانب

### هیأت طالبان، گفت‌وگوی مسکو

در این شرایط بود که روز جمعه، ۹ جولای، هیأتی از جانب «جناح سیاسی» طالبان مستقر در دوحه به مسکو سفر کرد تا با مقامات ارشد روسیه گفت‌وگو کند. کاربران شبکه‌های اجتماعی روسیه این دید و بازدید را به سرعت به میم تبدیل کردند. روزنامه‌نگاران روسی با اشاره به این که طالبان از اوایل دهه ۲۰۰۰ در روسیه به‌عنوان «سازمان تروریستی» دسته‌بندی شده است، مقامات وزارت امور خارجه را در مورد مبانی حقوقی میزبانی رسمی مسکو از این گروه تحت فشار قرار دادند. ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به روزنامه‌نگاران توضیح داد که مسکو «با انواع نماینده‌ها در تماس است: مقامات بحرال و سابق، نهادهای غیردولتی و گروه‌های اپوزیسیون. آنچه مهم است این است که ما با نماینده‌های غیررسمی به‌گونه‌ی رسمی مذاکره نمی‌کنیم.»

توجه روزنامه‌نگاران روسی که این ملاقات را پوشش می‌دادند، به این نکته جلب شد که طالبان در جریان نشست‌های خود در مسکو مدام از دو واژه «امارت اسلامی» به‌جای



د کهرنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم



### «اعلان مجدد دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/BLK21/07022020/NCB

پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروژه داوطلبی اعمار شبکه آبیاری دادون واقع قریه دادون ولسوالی بلخ ولایت بلخ را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از آمريت تدارکات پروژه CLAP و یا از وب‌سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنین معلومات متذکره را میتوانند از وب‌سایت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (www.mail.gov.af) و وب‌سایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۸/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه بعد از ظهر به آمريت تدارکات پروژه زراعت و مالداري به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمیباشد.

جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۸/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه بعد از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالداري دایر میگردد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) پنج‌صدهزار افغانی میباشد.

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120S USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200S USD	۷۰۰۰ افغانی	یک‌ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



## هشت روز جنگ در قلعه‌نو؛

## بر مردم بادغیس چه گذشت؟

واجد روحانی - هرات

حسام‌الدین شمس، والی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که جنگجویان گروه طالبان پنج‌شنبه، ۲۴ سرطان شهر قلعه‌نو را ترک کردند و مشخص نیست تا چه زمانی طالبان به تعهدشان به ۱۰ بزرگ قوم مبنی بر دوام آتش‌بس پایبند خواهند بود: «ما آتش‌بس را مراعات می‌کنیم، اما امیدوار هستیم که گروه طالبان نیز پایبند آتش‌بس باشند. نیروهای امنیتی و دفاعی برای تأمین امنیت شهر قلعه‌نو آمادگی لازم را دارند.»

ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که آنان در بادغیس آتش‌بس نکرده‌اند، بل خط مقدم جنگ را از شهر قلعه‌نو برای آرامش مردم و تجلیل از عید قربان عقب برده‌اند: «آتش‌بس با حکومت در قلعه‌نو نکرديم و خط جنگ عقب بردیم، تا مردم در آرامش زندگی کنند.»

اما برخی از ساکنان بادغیس دلپره و هراس دارند که آرام شدن جنگ در قلعه‌نو، به آرامش قبل از توفان مبدل نگردد و طالبان با تجدید قوا و با بهره‌گیری از آتش‌بس، حملات شان را به این شهر افزایش دهند.

### آوارگی خانواده‌ها

با شدت گرفتن جنگ، ساکنان شهر قلعه‌نو، به جزء فرار به روستاهای قلعه‌نو و ولسوالی‌ها و شهر هرات چاره‌ی نداشتند و بسیاری‌ها حتی فرصت آوردن امکانات شان را نداشتند. بسیاری از آوارگان جنگ بادغیس در بدترین شرایط ممکن زندگی می‌کنند و در تقلاي به‌دست آوردن یک لقمه نان هستند.

رئوفه، ۳۰ ساله برای نجات جان پنج فرزندش فرار را برقرار در قلعه‌نو ترجیح داده و او نتوانسته هیچ چیز حتی یک کمپل برای خود به هرات بیاورد.

او در کمپ انصار هرات (مرکز حمایت از بیجاشدگان داخلی و اخراج شدگان از ایران) مراجعه کرده است. او یک عریضه کمک در دست دارد، تا با کمک حکومت و یا نهادهای امدادرسان دشواری آوارگی را کم‌تر کند.

او با سراسیمگی زیاد زادگاهش قلعه‌نو را ترک کرد و حالا هیچ اطلاعی از همسرش که عضو نیروهای ارتش بوده ندارد و طی

آتش جنگ در شهر قلعه‌نو، مرکز ولایت بادغیس روز پنج‌شنبه، ۲۴ سرطان فروکش کرد. این جنگ ویران‌گر برای هشت روز متوالی ادامه داشت و طالبان با آخرین توان‌شان به شهر قلعه‌نو و کمربندهای امنیتی به‌شدت متزلزل این شهر حمله کردند.

یک شب پس از حمله گسترده طالبان به قلعه‌نو، چندین مقام ارشد امنیتی به گروه طالبان پیوستند. منابع معتبر در بادغیس به روزنامه اطلاعات‌روز گفته بودند که خواجه مراد مرادی، آمر امنیت پولیس بادغیس، خداداد طیب ولسوال آب‌کمري، ادهم، فرمانده نیروهای خیزش مردمی، سراج‌الدین، فرمانده تولى قرارگاه پولیس و محمد عمر آمر حوزه اول پولیس بادغیس با پنج عراده تانک هاموی و با بیش از صد نیرو به گروه طالبان ملحق شدند.

به باور بسیاری‌ها، پیوستن این شمار از مقام‌های امنیتی به طالبان، باعث دلپره و ترس در میان نظامیان دیگر و وسوسه‌شدن طالبان برای حمله به قلعه‌نو شده است.

ضیاءالدین اکازی، نماینده بادغیس در پارلمان از عملکرد مقام‌های مرکزی و قول‌آردوی ۲۰۷ ظفر انتقاد می‌کند و مدعی است که در جنگ هشت روزه شهر قلعه‌نو، هیچ نیروی کمکی فرستاده نشده است: «مردم بادغیس به خود ساختمان و دکان در شهر قلعه‌نو جور کرده بودند، اما در جنگ از بین رفت و برای ما هم جای نگرانی است که چرا حکومت کمک نفرستاده است.»

او حکومت را متهم می‌کند که به جای بهبود وضعیت امنیتی بادغیس و مهار حملات طالبان، به تبلیغات فیس‌بوکی روی آورده است: «حکومت ما حکومت فیس‌بوکی است و ما این قسم حکومت نمی‌خواهیم و حکومت به فیس‌بوک نمی‌چلد و شهر ما را خراب کردند.»

از سویی هم، عبدالطیف روستایی، رییس صحت عامه بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در جریان جنگ در قلعه‌نو، سه تن کشته و ۷۳ تن دیگر زخمی شده‌اند. او تمام کشته و زخمیان را غیرنظامیان می‌داند. مسئولان محلی بادغیس آمار تلفات نظامیان را ارائه نمی‌کنند، اما یک منبع معتبر که خواست نامی از وی برده نشود، هفته گذشته به اطلاعات روز گفته بود که در چهار روز جنگ، اجساد ۱۳ تن به شمول نظامیان به شفاخانه بادغیس منتقل کرده شده است. این منبع حتی گفته بود که از شدت جرئت چهره اجساد برخی از نظامیان قابل تشخیص نبوده است.

### «برگشت آرامش»

پس از جنگ نفس‌گیر میان نیروهای دولتی و طالبان که بارها شهر قلعه‌نو به خط نخست جنگ مبدل گشته بود، مقام‌های محلی بادغیس اعلام کردند که گروه طالبان درخواست بزرگان قوم و موسفیدان را مبنی بر آتش‌بس پذیرفته‌اند.

یک ماه اخیر نتوانسته که با وی تماس بگیرد: «برادر جان برای رییس مهاجرین بگوید که ما هیچی نداریم. از شوهر خود خبری ندارم و من با سه خانواده دیگر در یک خانه زندگی می‌کنیم. بخدا قسم هیچی ندارم.»

به‌دلیل پایبندی به ارزش‌های سنتی در بادغیس، رئوفه نمی‌خواهد که از وی یا کودکان‌اش عکس‌برداری کنم.

هرات به کانون توجه بیجاشدگان جنگ بادغیس مبدل گشته است، اما در شهر هرات، قیمت کرایه مسکن بلند رفته و بسیاری از آوارگان جنگ، قادر به پرداخت کرایه نیستند.

فضل احمد، ۲۴ سال دارد و با خانواده‌اش از بادغیس به هرات فرار کرده است. او به اطلاعات روز می‌گوید که قیمت کرایه خانه بسیار زیاد است و حتی در مناطق دور دست هرات هم چو آسیاب کلوخی، یک خانه تا ۲۵۰۰ افغانی ماهوار به کرایه داده می‌شود.

او در جیب خود هیچ پولی برای دادن کرایه ندارد و در تلاش قرض کردن پول از دوستان



ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که آنان در بادغیس آتش‌بس نکرده‌اند، بل خط مقدم جنگ را از شهر قلعه‌نو برای آرامش مردم و تجلیل از عید قربان عقب برده‌اند: «آتش‌بس با حکومت در قلعه‌نو نکرديم و خط جنگ عقب بردیم، تا مردم در آرامش زندگی کنند.»



گرفتند که دکان‌های‌شان از طرف غارت می‌شود و این دکان‌ها باز می‌شود. تاریکی شب برای افراد فرصت طلب بهترین وقت برای چور اموال است.»

حسام‌الدین شمس، والی بادغیس می‌گوید که شدت جنگ باعث آسیب رسیدن به شمار زیادی از خانه‌ها و دکان‌ها شده است و باید طالبان دوباره بخت‌شان را برای تصرف شهر قلعه‌نو آزمایش نکنند: «طالبان از چهار طرف بالای شهر قلعه‌نو حمله کرده بودند، اما با مقاومت نیروهای امنیتی و دفاعی شکست خوردند.»

### محدودیت بر زنان

هجوم گسترده طالبان به شهر قلعه‌نو برای زنان فعال در بادغیس یک هشدار از برقراری حاکمیت طالبانی بوده است. شمار زیادی از زنان فعال بادغیس به‌شمول مؤسسه قادری، عضو شورای ولایتی این ولایت از ترس طالبان به شهر هرات پناه آورده‌اند.

او در مصاحبه با روزنامه اطلاعات روز از وضع قوانین سخت و سخت برای زنان در ولسوالی‌های بادغیس خبر می‌دهد که طالبان به زنان بدون محرم حتی اجازه بیرون شدن از خانه و شرکت در اجتماع را نمی‌دهند.

این عضو شورای ولایتی بادغیس معتقد است که در صورت تصرف شهر قلعه‌نو، هم چنان به زنان محدودیت شدید وضع خواهد شد: «طالبان هنوز به اندیشه‌های قدیم خود مبنی بر محدودیت بر زنان پایبند هستند. محدودیت‌های زیادی به زنان در ولسوالی‌های تحت کنترل طالبان وضع شده است و زنان اجازه بیرون شدن از خانه خود را ندارند.»

اما ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان به اطلاعات روز می‌گوید که هیچ نوع محدودیت بر زنان در بادغیس وضع نشده است: «حقوق زنان محدود نشده و همان قسم که قبلاً زنان زندگی می‌کردند، حالا هم زندگی می‌کنند.»

در دوران حاکمیت رژیم طالبان در افغانستان در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی، زنان از بیش‌تر حقوق‌شان حتی رفتن به مکتب محروم بوده‌اند.

طالبان گفته‌اند که بر اساس شریعت اسلامی به زنان حق فعالیت را می‌دهند، اما از دید بسیاری‌ها، این دیدگاه طالبان کلی است.

با این همه، هر شش ولسوالی بادغیس زیر تسلط گروه طالبان قرار دارد و ساکنان شهر قلعه‌نو، از روزی می‌ترسند که طالبان موفق به تصرف این شهر شوند. آنان از حکومت مرکزی می‌خواهند که در قبال سرنوشت‌شان بی‌توجه نباشد و وضعیت امنیتی نابسامان را سامان بدهد.

خود در هرات است: «جنگ در قلعه‌نو بسیار زیاد بود و ما تنها توانستیم که خود را نجات بدهیم و به هرات بیایم. این‌جا کرایه خانه‌ها بلند است. کاشکی آرامی در قلعه‌نو شود، تا دوباره پس به منطقه خود برگردیم.»

نمایندگان مردم بادغیس در پارلمان و شورای ولایتی روز چهارشنبه، ۲۴ سرطان در یک کنفرانس خبری گفته بودند که بیش از ۲۰ هزار خانواده از بادغیس به هرات آواره شده‌اند.

اما مبین قادری، رییس مهاجرین و عودت کنندگان هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که طی یک ماه اخیر ۲۴۰۳ خانواده از ولایت‌های هم‌جوار به هرات به‌خاطر جنگ‌ها آواره شده‌اند، اما آنان بودجه کمی برای کمک شمار کمی از این آوارگان در اختیار دارند.

### «غارت اموال»

شعله‌ور شدن جنگ در قلعه‌نو و مصروف شدن نیروهای امنیتی برای مقابله با طالبان باعث شد که برخی از افراد به چپاول اموال برخی از منازل مسکونی و دکان‌ها بپردازند.

رئوفه، یکی از آوارگان جنگ قلعه‌نو مدعی است که بخش زیادی از اموال خانه‌اش غارت شده و حالا اگر به بادغیس هم برگردد، توان سر و سامان دادن به خانه‌اش ندارد.

هم چنین عکس‌های که از قلعه‌نو در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، نشان می‌دهد که برخی از دکان‌ها در آتش سوخته و یا دروازه این دکان‌ها به‌خاطر غارت باز شده است.

عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که باید عاملان غارت اموال مردم شناسایی و بازداشت شوند: «دکانداران به ما تماس



برخی از باشندگان بادغیس مدعی‌اند که اموال‌شان در نتیجه جنگ غارت شده است عکس: رادیو نریمان